نگرش خبرگان دانشگاهی به تعامل دانشگاه و جامعه*

گل‌بهار پورانجنار[۱]

حبیب‌الله سالارزهی[۲]*

علی‌اصغر تباوار[۳]

نورمحمد یعقوبی[۴]

تاریخ دریافت : ۱۴۰۰/۰۸/۵

تاریخ پذیرش : ۱۴۰۱/۰۷/۱۰

چکیده

توجه به تعامل دانشگاه با جامعه، در کنار دو کارکرد اصلی نظام آموزش عالی، یعنی؛ آموزش و پژوهش، بر نقش اجتماعی دانشگاه‌ها در پاسخگویی به نیازها و انتظارات جامعه در سطوح مختلف، دلالت دارد. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر، شناسایی و دسته‌بندی نگرش خبرگان دانشگاهی در خصوص چالش‌های پیش‌روی تعامل دانشگاه با جامعه؛ با استفاده از رویکرد آمیخته و روش کیو بوده است. جامعهٔ آماری پژوهش را هجده نفر از صاحب‌نظران، خبرگان و اساتید دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی مختلف در سطح کشور تشکیل می‌دهند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس اصل کفایت نظری، به‌عنوان اعضای نمونه انتخاب گردید. علت اصلی این انتخاب نیز، تخصص، تجربهٔ آکادمیک و تألیفات خبرگان در حوزهٔ آموزش عالی در نظر گرفته شده است. در بخش کیفی پژوهش، با استفاده از ۱۸ مصاحبهٔ صورت گرفته، فضای گفتمان حاصل گردید و با استفاده از نظرات و دیدگاه‌های آنان، گزینه‌های کیو و در ادامهٔ آن، مجموعهٔ کیو به دست آمد. همچنین، در بخش کمی نیز، با استفاده از نرم‌افزار SPSS داده‌های به‌دست‌آمده در بخش کیفی، مورد تحلیل قرار گرفت که درنهایت، هفت نگرش اصلی، در این زمینه، شناسایی گردید.

کلمات کلیدی: تعامل دانشگاه با جامعه، خبرگان دانشگاهی، نگرش، رویکرد آمیخته.

مقدمه و طرح مسئله

کاهش منابع بخش‌های دولتی و عمومی، در بسیاری از کشورها، حتی، کشورهای پیشرفته، موجب تغییر محسوس در توجه به مسائل اجتماعی شده است (وراواردنا و همکاران[۵]،۲۰۱۹:۲). پژوهشگران، استدلال می‌کنند که سازمان‌های بزرگ، بایستی، پاسخگوی نیازهای خود و اقشار مختلف جامعه باشند (جیول[۶]،۲۰۱۷:۸۷). بخش مهم و بزرگی از این مسئولیت به عهدهٔ آموزش عالی و دانشگاه‌ها قرار دارد

---

* مقالهٔ حاضر مستخرج از رسالهٔ دکتری (تاریخ تصویب پروپوزال ۱۳۹۸/۱۱/۲۷) نویسندهٔ اول مقاله در رشتهٔ مدیریت دولتی با عنوان «طراحی الگوی تعامل دانشگاه و جامعه مبتنی بر نوآوری اجتماعی در دانشگاه‌ها، مؤسسات و مراکز آموزش عالی کشور» با استاد راهنمایی دکتر حبیب‌الله سالارزهی و اساتید مشاور دکتر علی‌اصغر تباوار و دکتر نورمحمد یعقوبی در دانشکدهٔ مدیریت و اقتصاد دانشگاه سیستان و بلوچستان است.

[۱] دانشجوی دکتری مدیریت دولتی گرایش منابع انسانی، گروه مدیریت دولتی، دانشکدهٔ مدیریت و اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.g.pouranjenar@pgs.usb.ac.ir

[۲] نویسندهٔ مسئول. دانشیار گروه مدیریت دولتی، دانشکدهٔ مدیریت و اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. salarzehi@mgmt.usb.ac.ir

[۳] استادیار گروه مدیریت مالی، دانشکدهٔ مدیریت و اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.ali.a.t@mgmt.usb.ac.ir

[۴] استاد گروه مدیریت دولتی، دانشکدهٔ مدیریت و اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.yaghoubi@mgmt.usb.ac.ir

[5] Weerawardena & etal

[6] Givel

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1400.13.4.3.3]

(صفری و همکاران[1]،۲۰۱۷:۳۹۹). به‌گونه‌ای که به دلیل تغییرات وسیع و گستردهٔ جوامع، بالا بودن تقاضای اجتماعی و با در نظر گرفتن موانع، محدودیت‌ها و چالش‌های نوین آموزش، ضروری است برنامهٔ استراتژیکی در این زمینه برای این دو نهاد، تدوین شود (ریکونا و همکاران[2]،۲۰۱۵). برنامه‌ای که نقش اجتماعی آن‌ها را به‌طور اساسی، تغییر دهد (دیما و همکاران[3]،۲۰۱۳:۲۵). در حال حاضر، ساختارهای متعارف دانشگاه‌ها، نتوانسته است مشکلات و نیازهای جامعه را به‌صورت علمی و کارشناسی احصاء نماید و غرق‌شدن جامعهٔ علمی درمجموعه‌ای از بسته‌های آموزشی نظری و غیرکاربردی، اعتماد جامعه به دانشگاه‌ها را تضعیف نموده است؛ بنابراین، باید اذعان نمود که با ظهور چنین مسائلی، ارتباط و تعامل میان دانشگاه و جامعه، الزامی به نظر می‌رسد (کاسترو اسپیلا[4]،۲۰۱۸:۹٤). دانشگاه امروزی، به‌عنوان یک نهاد پیچیدهٔ فرهنگی، رسالت کنشگری خویش را منوط به کارکردهای درون‌نهادی آموزشی و پژوهشی و به دور از نیازهای جامعه نمی‌سازد (شکرالهی و همکاران[5]،۲۰۱۹:۱۵۲). بلکه، با انتظام بخشی اخلاقی و اجتماعی (ذاکر صالحی[6]،۲۰۱۷:٤) و با استفاده از رویکرد ترکیبی و چندبعدی، نسبت به مسئولیت‌پذیری اجتماعی[7]، نوآوری اجتماعی[8] و کارآفرینی اجتماعی[9]، نیز، عمل خواهند نمود (فاسی و همکاران[10]،۲۰۲۰). در چنین شرایطی، به‌منظور تدوین هر نوع سیاست برای تأثیرگذاری دو نهاد دانشگاه و جامعه بر یکدیگر، باید در جستجوی ساز و کارها و ساختارهای لازم برای همگرایی (نیازی و کارکنان نصرآبادی[11]،۲۰۰۷:۲)، پیوند، تعامل و همکاری بین آن‌ها، برآمد (آبراما[12]،۲۰۱۱:۲). تحلیل ارتباط و تعامل میان دانشگاه و جامعه[13]، یکی از اساسی‌ترین موارد در برنامه‌های مطالعاتی آموزش عالی است. تعاملی که بیان می‌دارد؛ دنیای آکادمیک، بایستی، با حفظ ارزش‌های نهادی خود، شامل؛ آزادی علمی[14]، مسئولیت اجتماعی، تعالی علمی[15]، تنوع و کثرت‌گرایی فکری[16]، تحرک دانشجویان[17]، تبادلات دانش[18] و استقلال دانشگاهی[19] که آن را از دیگر مسائل متمایز می‌سازد؛ در روندهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز، حضور پررنگ‌تری داشته باشد (خورسندی-طاسکوه[20]،۲۰۱٤:۱٤). بطوریکه، علاوه بر مأموریت‌های آموزشی و پژوهشی خود، به‌طور هم‌زمان، رسالت اقتصادی و اجتماعی خود را نیز، تحقق بخشند (گومز و همکاران[21]،۲۰۱۷:۳۵؛ لومباردی و همکاران[22]،۲۰۱۷:۱۳٦؛ دی‌برداردینو و کورسی[23]،۲۰۱۸:۱۸۱). مع‌هذا، با نظر به مطالب ذکرشده، بایستی، اظهار نمود که نقش دانشگاه‌ها، به‌عنوان نهادهایی که نسبت به محیط پیرامون خود، حساس هستند؛ تغییریافته است (یولاند و فارینگتون[24]،۲۰۱۸:۱۳۰). اوسترلینک[25] (۲۰۰۵)، تعامل میان دانشگاه و جامعه را متضمن کوشش برای پیوند میان دنیای تحقیق و دنیای واقعیت‌ها؛ ارتباط باز و فعالانه با جامعه، معرفی تحقیقات و قابلیت‌های موجود در دانشگاه به جامعه؛ اشاعه و پراکنده

[1] Safari & etal
[2] Rykuna & etal
[3] Dima & etal
[4] Castro Spila
[5] Shokerellahi & etal
[6] Zakersalehi
[7] Social Responsibility
[8] Social Innovation
[9] Social Entrepreneurship
[10] Fassi & etal
[11] Niazi & Karkonan- Nasrabadi
[12] Abramo
[13] University-Community Interaction
[14] Academic freedom
[15] Scholarly Excellence
[16] Intellectual Pluralism & Diversity
[17] Scholars Mobility
[18] Knowledge Exchanges
[19] University Autonomy
[20] Khorsandi Taskoh
[21] Gomes & etal
[22] Lombardi & etal
[23] Di Berardino & Corsi
[24] Yolande & Farrington
[25] Osterlinck

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.20088000.1400.13.4.3.3]

کردن دانش در جامعه از طریق درگیرشدن دانشگاهیان در موقعیت‌های اجتماعی می‌داند (آذر و همکاران[1]،۲۰۱۹:۱۵۶). لذا، مفاهیم این‌چنینی، باعث شده‌اند تا امروزه کارکردها و مأموریت‌های دانشگاه‌ها و آموزش عالی به‌سوی تنوع هرچه بیشتر، پیش روند و نسل جدیدی از دانشگاه‌ها با عنوان دانشگاه نسل چهارم[2]، به‌عنوان الگوهای حرفه‌ای نوین معرفی شوند که برای توسعهٔ محلی و منطقه‌ای فرصت سازی نموده (لوکوویچ و زوتی[3]،۲۰۱۵:۳۸) و با مدیریت سرمایه‌های فکری و تغییرات محیطی، پا را فراتر از رابطهٔ سه‌گانهٔ دانشگاه، صنعت و دولت گذاشته و دانشگاه‌های متعامل با جامعه را خلق نمایند (سیماکو و تی[4]،۲۰۱۹). به‌گونه‌ای که این نوع از دانشگاه-ها، با پاسخگویی اجتماعی[5] (چان و فارینگتون[6]،۲۰۱۸:۱۳۵)، دانش را، به خدمت جامعه درآورده و آموزش را، وسیله‌ای، جهت مرتفع نمودن نیازهای جامعه و حل مشکلات آن در مقیاس‌های خرد، میانی و کلان، بکار خواهند گرفت (عبدالرحیم و همکاران[7]،۲۰۱۹:۷). در این زمینه، لازم به ذکر است که آموزش عالی ایران، در طول حیاتش، با نیازها و مشکلات متعددی از جمله؛ رشد نامتوازن کمی و کیفی خدمات، کاهش جامعیت و مشروعیت علمی، ناتوانی در پاسخگویی به نیازهای متنوع جامعه (آذر و همکاران[8]،۲۰۲۰:۲)، افزایش بی‌رویه مراکز آموزشی و رواج پدیدهٔ مدرک‌گرایی روبه‌رو بوده است (اصغری و اکبرپور شیرازی[9]،۲۰۱۸:۲)؛ اما نمی‌توان از این واقعیت گذشت که در دو دههٔ گذشته، دانشگاه‌های کشور با حرکت از نسل‌های آموزش‌محور به‌سوی نسل‌های پژوهش‌محور موجبات توسعهٔ هرچه بیشتر ظرفیت‌های علمی، فناورانه و نوآورانه در کشور را فراهم کرده‌اند (آیندهٔ دانشگاه‌ها در ایران؛ جامعه‌محور و کارآفرین[10]،۲۰۲۰:۶). با این وجود، در زیست‌بوم دانشگاه‌های ایران، میان علم و جامعه، سازگاری و ارتباط پویا و مستمر وجود ندارد. طوریکه، شاید بتوان، فقدان این ارتباط را، در منشأ رشد علم در ایران یافت (کرم‌خانی[11]،۲۰۱۹:۲)؛ زیرا علم جدید در ایران، با انتقال دانش از بیرون شکل گرفته و دوام آن نیز، به این انتقال، وابسته است. انتقالی که باعث ایجاد فرآیندی یک‌سویه از دانش و کنش‌های یک‌طرفه شده است (قانعی‌راد[12]،۲۰۰۲:۳۲)؛ بنابراین، توقع تعامل دوطرفه میان دانشگاه و جامعهٔ ایرانی، به دور از انتظار خواهد بود. علاوه بر آن، در حال حاضر، در کشور ما، فعالیت چندانی در راستای نهادینه‌سازی و فرهنگ‌سازی این موضوع در دانشگاه‌ها رخ نداده است. در اصل، دانشگاه-های کشورمان در تحقق دانشگاه‌های نسل سوم نیز، با مشکلات بسیاری مواجه هستند و هنوز، دارای بودجه‌های دولتی می‌باشند. ازاین‌رو، در کنار توجه به دانشگاه نسل سوم و ادامه و تکمیل آن لازم است تا پیش‌نگری کرده و به فکر نسل چهارم دانشگاه‌ها و برنامه‌ریزی برای آن باشیم تا از رقابت جهانی عقب نمانیم. از طرفی، پاسخگویی و مسئولیت دانشگاه‌ها در قبال منافع اجتماعی جامعه، در اصول بنیادین جهان‌بینی اسلامی (رادیانتو و همکاران[13]،۲۰۲۰:۳۵۵۰) و سخنان رهبر معظم انقلاب نیز، مورد تأکید قرار گرفته است. به‌گونه‌ای که ایشان، در بیانات خود، اذعان داشتند که دانشگاه‌ها، علاوه بر وظیفهٔ درونی یعنی تولید علم، پیشرفت علمی، تربیت علمی، نیز، وظیفه‌ای بیرونی در قبال جامعهٔ خود دارند که باعث اثرگذاری درمجموع جامعه خواهد شد (بیانات رهبر معظم انقلاب؛ در دیدار

[1] Azar & etal

[2] در حال حاضر، دانشگاه مدرن نسل‌ها و کارکردهای مختلفی را نمایندگی کرده است. کارکرد سنتی‌ترین دانشگاه که به آن، دانشگاه نسل اول، گفته می-شود «آموزشی» بوده است؛ مأموریت دانشگاه نسل دوم، «پژوهش» و به عبارتی، تولید دانش است؛ از مأموریت‌های محوری دانشگاه نسل سوم (علاوه بر کارکردهای آموزشی و پژوهشی)، کارکرد نوین «کارآفرینی» است. در دهه‌های اخیر، نسل جدیدی از دانشگاه ظهور کرده است که دانشگاه «نسل چهارم» نامیده می‌شود (آذر و ذاکرصالحی،۲۰۱۹:۲۳٤).

[3] Lukovics & Zuti
[4] Symaco & Tee
[5] Social Accountability
[6] Chan & Farrington
[7] Abdelrahim & etal
[8] Azar & etal
[9] Asghari & Akbarpourshirazi
[10] The Future of Universities in Iran; Community Oriented and Entrepreneur
[11] Karamkhani
[12] Ghanei-Rad
[13] Rusdiyanto & etal

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.2008000.1400.13.4.3.3]

جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۰۸[1]). ازاین‌رو، در برنامه‌های توسعه‌ای جمهوری اسلامی ایران، همچون برنامه‌های چشم‌انداز ۱٤۰٤ و اصل ٤٤ قانون اساسی، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، به‌عنوان یک نهاد علمی اثرگذار بر جامعه معرفی شده‌اند (باقری‌مجد[2]،۲۰۱٦:۵) و تغییرات ضروری مرتبط با آن‌ها در آیندهٔ دانشگاه‌های کشور، به‌صورت طرح‌هایی چون طرح تحول همکاری‌های دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی، پژوهشی و فناوری با جامعه و صنعت[3] و بیانیهٔ آیندهٔ دانشگاه‌ها در ایران؛ جامعه‌محور و کارآفرین[4] با هدف تغییر الگوواره‌های حاکم بر آموزش عالی کشور، تدوین گردیده است. اهمیت و ضرورت تدوین الگویی جامع جهت شناسایی چالش‌های موجود در باب دانشگاه متعامل با جامعه در کشورمان، واقعیتی انکارناپذیر است؛ زیرا دانشگاه-های ایران، به سبب اقتباس از الگوهای غربی، کمتر توانسته‌اند، تعاملی مناسب با جامعه ایجاد نمایند و مسئولیت‌ناپذیری و پاسخگو نبودن به نیازهای جامعه، ظرفیت آنان را، برای هر نوع تحول سازنده‌ای، در این راستا، ناچیز کرده است. بر همین اساس، این پژوهش، به دنبال بررسی و تبیین نگرش خبرگان دانشگاهی در خصوص چالش‌های پیش روی تعامل دانشگاه با جامعه می‌باشد. با توجه به این موضوع، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که از دیدگاه خبرگان دانشگاهی، مهم‌ترین چالش‌های پیش روی تعامل دانشگاه با جامعه کدام است؟ آیا تنوع دیدگاه و نظراتی میان متخصصان وجود دارد؟ و درنهایت، کدام دیدگاه اجماع بالاتری دارد؟

مبانی نظری و پیشینهٔ پژوهش

دانشگاه، یکی از اصلی‌ترین و اثرگذارترین نهادهای اجتماعی در جامعهٔ مدرن است (آزادارمکی[5]،۲۰۱۷) که می‌تواند در پرداختن به چالش‌های جوامع در عصر نوین، به‌عنوان یک بازیگر کلیدی، نقش برجسته و مهمی ایفا نماید (دی‌نوا و همکاران[6]،۲۰۱۸:۱۹۱). دانشگاه، به‌منزله یک نظام، در نظام‌های کلان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه، محاط است که هم از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد و هم بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد (یمنی دوزی سرخابی و ثمری[7]،۲۰۱۰:۳). دانشگاه‌ها، از طریق تحقیق و توسعه، تأثیر مهمی در رشد استعدادها و فناوری پیشرفته دارند (هان و ژانگ[8]،۲۰۱۷:۵) و فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی آنان، تأثیر بسزایی بر بهره‌وری و رشد جوامع دارند (آراسته و همکاران[9]،۲۰۱۸:۱۵۰). دانشگاه، نهادی است که در ایران، حدوداً، قدمت ۸۰ ساله دارد. این نهاد، در مراحل اولیهٔ فعالیت خود برای مدت طولانی، تنها، دارای اقدامات آموزشی بوده است (سلیمی و همکاران[10]،۲۰۱۷:٤). بعد از آن، نهاد دانشگاه، به‌عنوان یک نهاد تولید دانش در نتیجهٔ روند مدرنیزاسیون بی‌بنیاد ایرانی و الگوبرداری‌های صوری از جوامع غربی، به شکل تحمیلی، تغییر شکل داد (خلیلی و همکاران[11]،۲۰۱۷:٤۳). به‌گونه‌ای که به نظر می‌رسد، تأسیس نهاد جدید دانشگاه در ایران، با یک ناپیوستگی، مواجه شده است. به‌رغم اتفاق‌نظر محققان برجسته تاریخی، ایران، از پیشینه و داشته درخشانی در زمینهٔ آموزش عالی هم در دوران اسلام و هم پس‌ازآن،

---

[1] Statements of Supreme Leader of the Revolution; In a group meeting of professors, elites and university researchers dated 2019/05/29

[2] Bagheri Majid

[3] طرح تحول همکاری دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی و فناوری با جامعه و صنعت با ٦ هدف کلان، ۸ راهبرد اصلی و ٤٤ اقدام اجرایی و با هدف تجمیع و یکپارچه‌سازی راهبردهای وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و دستگاه‌های اجرایی در جهت ارتقای ارتباط دانشگاه، صنعت و جامعه تهیه شده است.

[4] وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با مأموریت سیاست‌گذاری کلان در حوزهٔ آموزش عالی کشور، نسبت به بررسی آثار کلان‌روندها و تغییرات ضروری مرتبط با آنها در آیندهٔ دانشگاه‌ها اقدام کرده و در این راستا، به تنظیم این بیانیه پرداخته است که نمایانگر واقعیت‌های پیش‌روی دانشگاه‌های کشور در آینده است.

[5] Azadarmaki

[6] Di Nauta & etal

[7] Yemeni-Dozi-Sorkhabi & Samari

[8] Han & Zhang

[9] Arasteh & etal

[10] Salimi & etal

[11] Khalili & etal

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1400.13.4.3.3]

برخوردار بوده است؛ اما این سرمایهٔ عظیم علمی و فرهنگی، نتوانسته به دوران معاصر، ختم گردد (ذاکر صالحی[1]،۲۰۱۷:۳۸). دانشگاه در ایران، از آغاز، در درون دولت به وجود آمده و فاقد ریشه‌های هنجاری قوی و نظام حرفه‌ای درون‌زا بوده است (خلیلی و همکاران[2]،۲۰۱۷:٤٤). ولی رفته‌رفته، جایگاه دانشگاه در تحولات ایران معاصر، فراتر از یک نهاد توسعه‌دهندهٔ علم و فناوری شکل گرفت. به‌طوری که در حال حاضر، به مثابهٔ مبدأ تحولات[3]، بیش از هر نهاد دیگری، تغییرات و دگردیسی‌های به نسبت وسیعی را از حیث ساختاری و کار ویژه‌های مختلف تجربه کرده و بر این مبنا، تغییرات آن در چارچوب نسل‌های دانشگاهی مورد تأمل و مداقهٔ دانشگاه-پژوهان واقع شده است. آنچه که در این بین، اهمیتی فزاینده و مضاعف دارد؛ این است که پویایی دانشگاه، در گرو هوشمندی دقیق و موشکافانهٔ آن، نسبت به زمانه و فضایی ست که در آن قرار گرفته است (آیندهٔ دانشگاه‌ها در ایران؛ جامعه‌محور و کارآفرین[4]،۲۰۲۰:۷). با توجه به مطالب ذکرشده، چه در ایران و چه در سایر کشورهای دیگر، دانشگاه را به‌عنوان نهادی تغییر آفرین و توسعه‌دهندهٔ جوامع می-شناسند که در معادلهٔ تحولات جوامع جدید نقش بی‌بدیل و جایگاه ممتازی دارد؛ زیرا که این نقش‌آفرینی، محدود به کار ویژه‌های صرفاً، آموزشی و پژوهشی نمی‌شود. تحلیل سیر روندها و کارکردهای دانشگاهی درگذر زمان، حاکی از این واقعیت است که در طول تاریخ علم، کارکردهای متنوع و متعددی از دانشگاه، از سوی نظریه‌پردازان و کارشناسان مدیریت دانشگاهی ارائه شده است. برخی، مأموریت دانشگاه را، انتقال دانش تخصصی از نسلی به نسل دیگر و گروهی، تولید دانش را، وظیفهٔ اصلی و فصل ممیز دانشگاه، دانسته‌اند. بعضی دیگر، کارویژهٔ دانشگاه را، تربیت متخصصان و کارشناسان زبده در رشته‌های مختلف برای ارائهٔ خدمات متنوع در سطح اجتماع می‌دانند که منجر به شکل‌گیری قشری از افراد تحصیل‌کرده و فرهیخته در مناصب مهم فنی و مدیریتی جامعه می‌شود. عده‌ای دیگر، با نگاه جامعه‌شناختی، تحصیل دانشگاهی را، راهی برای جامعه‌پذیری جوانان، خدمت به جامعه و عبور از مرحلهٔ فردیت به حیات جمعی می-شمارند (آراسته و همکاران[5]،۲۰۱۸:۱۵۱). دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، مانند هر سازمان اجتماعی دیگری، دریافته‌اند که هم-راستایی با تغییر و تحولات، نیازمند تغییر در کارکردهای درونی و بیرونی، بهره‌برداری هر چه بیشتر از محیط، غلبه بر ضعف‌ها و پوشش هر چه بیشتر نقاط قوت و واکنش‌های مؤثر در مواجه با تغییرات دارد (شاه‌طلبی[6]،۲۰۰۸:۲۲۳). از طرفی، التزام به پاسخگویی به نیازهای جامعه، باعث شده است تا دانشگاه‌ها حرکت از سمت‌وسوی دانشگاه سنتی به دانشگاه‌های مدرن را آغاز نمایند. به‌گونه‌ای که در سال-های اخیر، دانشگاه‌ها، خواهان آن هستند که نقش مهم‌تری را ایفا نمایند و از طریق استفاده از پتانسیل‌های بالقوهٔ خود، نقشی حساس در مرتفع نمودن نیازهای جوامع جدید داشته باشند (لامبرت[7]،۲۰۰۷:۱۳). در این رویکرد، دانشگاه‌ها، به تولید دانش در زمینه‌های اجتماعی، دانش بین‌رشته‌ای و ساختار سازمانی انعطاف‌پذیر نیاز داشته و برای پاسخگویی به جامعه، بر کنترل کیفیت تولید دانش تأکید دارند. به‌گونه‌ای که نقش خود را در ارتباطات فرا دانشگاهی و در تولید علم، به‌تدریج، از عرصهٔ تعامل میان دولت، جامعه و دانشگاه، به عرصهٔ بازارمحوری و جامعهٔ مدنی نیز، گسترش می‌دهند (میبل و بنوورس[8]،۲۰۱۹:۲۰۵). بطوریکه، معیار عملکرد دانشگاه‌ها، تنها، به آموزش و پژوهش، منتهی نمی‌شود؛ بلکه، مشارکت آنان، در حل مسائل، یافتن راه‌حل برای مشکلات اساسی، داشتن تعهد به محیط پیرامون و غنی-سازی کیفیت زندگی مردم جامعه و همچنین، مشارکت متقابل جامعه، در ارائهٔ بازخورد مناسب و بیان مسائل و مشکلات موجود را نیز، در برمی‌گیرد (متاوا و همکاران[9]،۲۰۱٦:۱۲۹)؛ بنابراین، بی‌توجهی به هریک از کارکردهای ذکرشده؛ می‌تواند، به نوبهٔ خود، موجب تأثیر

[1] Zakersalehi
[2] Khalili & etal
[3] امام خمینی: «دانشگاه مبدأ همهٔ تحولات است. از دانشگاه چه دانشگاه علوم قدیمه، چه دانشگاه علوم جدیده؛ از دانشگاه، سعادت یک ملت و در مقابل سعادت، شقاوت یک ملت سرچشمه می‌گیرد» (صحیفهٔ امام،۲۰۰٦).
[4] The Future of Universities in Iran; Community Oriented and Entrepreneur
[5] Arasteh & etal
[6] Shah Talabi
[7] Lambert
[8] Mabel & Benneworth
[9] Mtawa & etal

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.2008000.1400.13.4.3.3]

منفی بر هماهنگی دانشگاه و جامعه و بی‌ارتباط شدن آموخته‌های دانش‌آموختگان با نیازهای جامعه در بخش‌های مختلف گردد (آیندهٔ دانشگاه‌ها در ایران؛ جامعه‌محور و کارآفرین[1]، ۹:۲۰۲۰).

با توجه به مطالب بیان‌شده، بایستی، به این موضوع نیز، اشاره نمود که مطالعات انجام‌شده در ایران، بیانگر محدودیت تحقیقاتی است که به بررسی دانشگاه متعامل با جامعه، چالش‌ها و موانع آن پرداخته‌اند. ازاین‌رو، در زمینهٔ پیشینهٔ تحقیق حاضر، تلاش می‌گردد تا هم‌زمان و با توجه به‌مرور تحقیقات خارجی و معدود تحقیقات ایرانی صورت پذیرفته، بیشتر با جامعیت این موضوع آشنا شد. شاید، نزدیک‌ترین تحقیق انجام‌شده در کشور به پژوهش حاضر، پژوهش آذر و ذاکر صالحی[2] (۲۰۱۹) باشد که با نقد و ارزیابی ایدهٔ دانشگاه جامعه‌محور در ایران از دیدگاه خبرگان علمی به این نتیجه دست یافتند که بیشتر مشکلات مربوط به تحقق نیافتن این نوع از دانشگاه در کشورمان، به ریشه‌های تاریخی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، برمی‌گردد. از طرفی، با بهره‌گیری از یازده مؤلفهٔ اصلی تناسب با بافتار؛ مسئولیت‌پذیری؛ ارتباط و تعامل؛ توسعهٔ عدالت؛ توسعهٔ دانش، آموزش و پژوهش؛ اقتصاد و فناوری؛ فرهنگ دانشگاهی؛ استقلال دانشگاهی؛ رهبری و مدیریت؛ توانمندسازی و توسعه پایدار؛ به طراحی الگوی دانشگاه جامعه‌محور در ایران پرداختند و درنهایت، با ارزیابی نتایج حاصل، بیان داشتند که دانشگاه‌های کشور، به لحاظ برخورداری از این یازده مؤلفه، در جایگاه نامطلوبی قرار دارند. علاوه بر آن، ذاکر صالحی[3] (۲۰۱۷)، معتقد است که ظهور دانشگاه‌های این‌چنینی، مستلزم وجود جامعه‌ای شبکه‌ای، مطالبه گر و دانش‌محور می‌باشد. وی، این پرسش را مطرح می‌کند که در غیاب چنین جامعه‌ای، دانشگاه، با چه کسی تعامل خواهد کرد؟ از دیدگاه او، مهم‌ترین چالش‌های عدم‌تعامل جامعه با دانشگاه ایرانی، در داشتن انتظارات متعارض؛ عدم توانایی دانشگاه در تولید دانش حساس به جامعه و عدم توانایی دانش‌آموختگان دانشگاهی در پاسخگویی به نیازهای جامعه، می‌باشد. همچنین، مهدی[4] (۲۰۱۵)، در تحقیقی، جهت تعیین آیندهٔ آموزش عالی، به ارائهٔ راهبردها و پیامدهای سازگاری دانشگاه با محیط پیرامون خود، می‌پردازد و اظهار می‌دارد که نظام دانشگاهی، باید، بوسیلهٔ راهبردهای پیشنهادی با محیط‌های علمی و اجتماعی، به‌طور مستمر، سازگار شده و با جامعهٔ در حال تغییر، دائماً، در تعامل پویا، باشد. در این راستا، سیاست‌گذاران آموزش عالی نیز، بایستی، الزامات و شرایط محیطی، علی و زمینه‌ای مناسب و سازنده‌ای را، برای تحقق تعامل دانشگاه با جامعه، فراهم سازند. حسین‌قلی‌زاده[5] (۲۰۱۱)، نیز، با بررسی میزان تناسب آموزش عالی با تأکید بر نقش اجتماعی دانشگاه‌ها، به این نتیجه دست یافت که تناسب آموزش، پژوهش، تخصص، دانش و رشتهٔ تحصیلی، از جملهٔ ملاک‌های اصلی، در این حیطه هستند. به‌گونه‌ای که می‌توان، با تقویت و ارتقای فرهنگ دانشگاهی، ساختار و مدیریت، جنبه‌های مالی و اقتصادی، سیاست‌های آموزشی و پژوهشی و نظام ارزیابی مناسب، بستر لازم، برای ایجاد و توسعهٔ نقش اجتماعی دانشگاه‌ها، فراهم نمود. از میان مطالعات خارجی، بازمن[6]، در سال ۱۹۸۷، با انتشار کتابی، در تلاش بوده تا رویکردهای موجود در ارتباط با دانشگاه‌هایی که هدف آن‌ها، حل مسائل موجود در جامعه می‌باشد؛ را طبقه‌بندی نماید. در رویکرد اول؛ به بررسی ارتباط دانشگاه با جامعهٔ مدنی، می‌پردازد و معتقد است که خود دانشگاه‌ها، سازمانی غیرانتفاعی، غیردولتی و مستقل از دولت‌اند که دارای رویکردی مبتنی بر تعامل با جامعه هستند. در رویکرد دوم؛ نیز، به بیان این موضوع می‌پردازد که دانشگاه‌ها، علاوه بر کارکردهای اجتماعی مستقیمی که از طریق ارتباط دوطرفه با سازمان‌های مدنی دارند؛ هم می‌توانند، به برقراری ارتباطات و تعاملات سازنده با بخش‌های خصوصی و دولتی پرداخته و در رفاه اجتماعی جامعه، نقش‌آفرین باشند. زایبت و همکاران[7] (۲۰۱۹)، در مطالعه‌ای، به این نتیجه رسیدند که جهت تقویت پیوند دانشگاه، صنعت و جامعه؛ بایستی، از مدلی، در راستای تحقیق و نوآوری استفاده نمود که دارای ابعاد فنی، سیاسی و اجتماعی باشد. کارن و

[1] The Future of Universities in Iran; Community Oriented and Entrepreneur
[2] Azar & Zakersalehi
[3] Zakersalehi
[4] Mehdi
[5] Hossein Qolizadeh
[6] Bozeman
[7] Zaibet & etal

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.20088000.1400.13.4.3.3]

همکاران[1] (۲۰۱۷)، در پژوهشی، نشان دادند که تغییرات درون‌سازمانی‌ای، همچون؛ تغییر در فرهنگ دانشگاه، تغییر در ساختار و سلسله-مراتب بین دانشگاه و جامعه، می‌تواند، روابط دانشگاه و جامعه را، بهبود بخشد. همچنین، آموزش آکادمیک، بایستی، به‌گونه‌ای باشد که ویژگی‌های مربوط به پژوهشگران درگیر در حل مسائل جامعه نیز، با هنجارهای جامعه، هماهنگ باشد. بریندن[2] (۲۰۲۰)، در تحقیقی، اظهار داشت که تغییرات درون ساختاری در دانشگاه‌ها، همچون؛ شایستگی‌های فردی، تجربهٔ آموزش، توسعهٔ مهارت‌ها، تحقیقات اولویت‌دار با توجه به نیازهای محسوس، یادگیری مداوم، بهبود اکوسیستم یادگیری برای آموزش، کیفیت آموزش، مشارکت منظم دانشجویان و کارمندان در اجرای مشترک پروژه‌های واقعی و توسعهٔ فناوری‌ها، منجر به برقراری تعامل سازنده‌تری میان دانشگاه‌ها با محیط پیرامون خود خواهد شد. متاوا و همکاران[3] (۲۰۱۶)، به این جمع‌بندی رسیدند که تعامل دانشگاه و جامعه، به میزان قابل‌توجهی به نحوهٔ مشارکت کنشگران دانشگاهی، در این زمینه، بستگی دارد. از طرفی، نبود هماهنگی میان سازمان‌های مختلف و نبود ساختارهای تشویقی مناسب، از جملهٔ چالش‌هایی‌اند که به‌طور واضح، می‌توان به آن‌ها، اشاره نمود. هارت و چرچ[4] (۲۰۱۱)، نیز، با بررسی چالش-های کلیدی درگیری و تعامل دانشگاه با جامعهٔ محلی، اشاره نمودند که در انگلستان و در سال‌های اخیر، گام‌های قابل‌توجهی، جهت گسترش تعامل دانشگاه و جامعه، برداشته شده است. به‌گونه‌ای که در حال حاضر، طیف گسترده‌ای از ساختارها و فعالیت‌های مشارکتی با جامعه در دانشگاه‌های مختلف این کشور، در حال ظهور است. بطوریکه، با بررسی نمونهٔ موردی دانشگاه برایتون[5]، به این نتیجه دست یافتند که عوامل رهبری، انگیزه‌های مشارکت و تغییرات نهادی و ساختاری در دانشگاه‌ها، می‌تواند، تعامل میان دانشگاه و جامعه را، تسهیل و یا تضعیف نمایند.

روش‌شناسی پژوهش

هدف پژوهش حاضر، شناسایی، دسته‌بندی و تعیین نگرش خبرگان دانشگاهی در خصوص چالش‌های پیش روی تعامل دانشگاه با جامعه؛ بوده است. با توجه به این هدف، استفاده از روشی که بتواند، به‌صورت هم‌زمان، از مزایای هر دو روش کمی و کیفی، یعنی، روش‌های اکتشافی و توصیفی استفاده کند؛ ضروری به نظر می‌رسد (یاسینی و همکاران[6]،۲۰۱۶: ۱۱۰)؛ زیرا استفاده از رویکردهای کمی و کیفی، به‌صورت ترکیبی، در مقایسه با یک رویکرد، به‌تنهایی، درک بهتری از مسائل پژوهش، در اختیار محققین قرار می‌دهد (کرسول و پلانوکلارک[7]،۲۰۰۶). ازاین‌رو، پژوهش حاضر از روش‌شناسی کیو که یکی از روش‌های رویکرد آمیخته می‌باشد، بهره گرفته است. روش کیو[8]، به علت ماهیت کمی و کیفی خود، بیشترین سازگاری را با هدف مدنظر پژوهش، داراست. درواقع، روش کیو را، پیوند میان روش-های کیفی و کمی می‌دانند. به این دلیل که انتخاب مشارکت‌کنندگان به طریق نمونه‌گیری‌های احتمالی انجام نمی‌گیرد؛ بلکه، به‌گونه‌ای هدفمند و در اندازه‌ای کوچک صورت می‌پذیرد که همین امر، آن را، به روش‌های کیفی، نزدیک می‌سازد. از طرفی، یافته‌ها، از طریق تحلیل عاملی و به‌صورت کاملاً کمی، مورد تجزیه‌وتحلیل قرار می‌گیرند (محمدی و همکاران[9]،۲۰۱۴: ۴۰)؛ بنابراین، به شکل کلی، این

[1] Karen & etal
[2] Bryndin
[3] Mtawa & etal
[4] Hart & Church
[5] Brighton University
[6] Yasini & etal
[7] Creswell & Plano Clark
[8] Q Methodology
[9] Mohammadi & etal

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.2008000.1400.13.4.3.3]

روش، در مرحلهٔ بررسی تالار گفتمان، نقش کیفی و در مرحلهٔ تحلیل عاملی کیو، نقش کمی دارد (استیکل[1] و همکاران، ۲۰۱۹: ۱۱۱). در جدول زیر، می‌توان پیاز روش‌شناسی پژوهش را مشاهده نمود.

جدول ۱. پیاز فرآیند پژوهش برای روش کیو

فلسفهٔ پژوهش	تفسیری- اثبات‌گرایی
جهت‌گیری پژوهش	توسعه‌ای- کاربردی
رویکرد پژوهش	استقرایی- قیاسی
روش پژوهش	کیفی- کمی
مکان پژوهش	کتابخانه‌ای- میدانی
استراتژی پژوهش	داده بنیاد- پیمایش
هدف پژوهش	اکتشافی- توصیفی

یکی از دلایل دیگر نزدیک بودن این روش به رویکردهای کیفی، این است که هدف اصلی این تکنیک، آشکار ساختن نگرش‌های مختلف است و نه شمارش افرادی که تفکرات مختلفی دارند. روش تحقیق کیو، مطالعه‌ای سیستماتیک، پیرامون ذهنیت و دیدگاه افراد مورد مطالعه می‌باشد. در این روش‌شناسی، کوشش می‌شود تا دیدگاه‌های متفاوت افراد، پیرامون مقولهٔ مورد بررسی، شناسایی، رتبه‌بندی و میزان موافقت یا مخالفت آنان مشخص گردد. ازاین‌رو، گاهی، به این روش، مرتب‌سازی کیو[2]، نیز، گفته می‌شود. مک‌کئون و توماس[3]، روش کیو را فنی می‌دانند که پژوهشگر را قادر می‌سازد؛ اولاً، ادراک و عقاید فردی را شناسایی و طبقه‌بندی کند و ثانیاً، به طبقه‌بندی گروه‌ها، بر اساس دیدگاه آنان، بپردازد (براون و همکاران[4]،۲۰۰۸: ۷۳۱). جامعهٔ آماری پژوهش حاضر، شامل هیجده نفر از صاحب‌نظران، خبرگان و اساتید آموزش عالی، می‌باشد که برای پی بردن به ذهنیت آن‌ها با بهره‌گیری از مصاحبه‌های صورت گرفته، فضای گفتمان حاصل گردید و درنهایت، با استفاده از نظرات و ذهنیت آنان، نمونه یا گزینه‌های کیو و سپس، مجموعهٔ کیو، شکل گرفت. از شاخص نسبت روایی محتوا (CVR) نیز، برای تعیین میزان روایی ابزار گردآوری داده‌ها بهره گرفته شد. لازم به ذکر است که در ضریب نسبت روایی محتوا، از متخصصان خواسته می‌شود که هر آیتم را بر مبنای «ضروری است»، «مفید است ولی ضرورتی ندارد» و «ضرورتی ندارد» تحلیل و بررسی نموده و آنگاه، پاسخ‌های ارائه‌شده، بر اساس فرمول زیر، محاسبه می‌گردد.

$$CVR = \frac{n_{E-\frac{N}{2}}}{\frac{N}{2}}$$

در تشریح فرمول فوق، باید، اشاره نمود که n_E نعداد متخصصینی هستند که گزینهٔ ضروری را انتخاب کرده‌اند و همچنین، N تعداد کل متخصصان است. با توجه به فرمول بالا، اگر مقدار محاسبه‌شده از جدول نسبت روایی محتوا، بزرگ‌تر باشد؛ اعتبار محتوای آن آیتم، پذیرفته می‌شود. ازآنجاکه، تعداد پاسخ‌دهندگان، ۱۸ نفر می‌باشد، بر مبنای جدول نسبت روایی محتوا، ضریب ۰/۳۷ یا بالاتر از آن مطلوب است. بدین ترتیب، ضریب نسبت روایی محتوا، در پژوهش حاضر، ۰/۵۶ محاسبه‌شده است؛ پسپسبزار گردآوری داده‌ها، از روایی مناسبی برخوردار است. همچنین، از ضریب کاپای کوهن، برای سنجش پایایی ابزار گردآوری داده‌ها، استفاده شد که نحوهٔ محاسبهٔ آن، بر اساس فرمول زیر می‌باشد.

[1] Stickl
[2] Q-sort
[3] McConnell & Thomas
[4] Brown & etal

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.20088000.1400.13.4.3.3]

$$K = \frac{P_0 - P_e}{1 - P_e}$$

در این فرمول، P_0 نیز، نسبت واحدهایی را نشان می‌دهد که در مورد آن‌ها، توافق وجود دارد و از طرفی، P_e تصادفی بودن احتمال توافق در خصوص واحدها را بیان می‌کند. ب؛ براین، محاسبات انجام‌گرفته، گویای آن است که ضریب کاپای کوهن، برابر ۰/۷۹ است که از مناسب بودن میزان پایایی در مورد ابزار گردآوری داده‌ها، حکایت دارد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های جمعیت شناختی

در مطالعات کمی، جامعه‌ای وجود دارد که نتایج مطالعه، در آن سطح، به کار می‌رود و دارای نمونه‌ای است که با روش تصادفی انتخاب می‌شود و عموماً، نمونه، معرف آن جامعه خواهد بود؛ اما روش کیو، فاقد چنین جامعه و نمونه‌ای است و معمولاً، پژوهشگر، نمونهٔ افراد را، از میان کسانی انتخاب می‌کند که دارای ارتباط خاصی با موضوع تحقیق و یا دارای عقاید ویژه‌ای در این زمینه باشند. به‌عبارت‌دیگر، این روش، به‌منظور استنباط اندیشه‌ها و احساسات مؤثر درونی و اندازه‌گیری مستقیم پاسخ‌های داده‌شده توسط نمونه‌های منتخب، طراحی شده است؛ یعنی، مشارکت‌کنندگان، حکم متغیرهای پژوهش را دارند که باید، مورد تحلیل قرار گیرند. این روش، راجع به یک شخص نیست، بلکه، از یک شخص است. در پژوهش حاضر، هیجده نفر از صاحب‌نظران، خبرگان و اساتید آموزش عالی، جامعهٔ آماری[1] مدنظر را تشکیل می‌دهند. جهت استخراج نظرات آنان از مصاحبهٔ عمیق (نیمه ساختاریافته) استفاده شد و گردآوری داده‌ها تا حد اشباع نظری ادامه یافت. مهم‌ترین ویژگی و ملاک انتخاب مشارکت‌کنندگان برای ورود به مصاحبه، داشتن تخصص و تجربهٔ آکادمیک و تألیفات در حوزهٔ آموزش عالی (در رابطه با تعامل دانشگاه و جامعه) در نظر گرفته شد. مصاحبه‌ها، از تاریخ ۱۴۰۰/۰۲/۰۶ الی ۱۴۰۰/۰۳/۲۰ صورت پذیرفته است. به دلیل تعهد به مصاحبه‌شوندگان، از ذکر نام آن‌ها، خودداری و برای هر مصاحبه‌شونده، کد اختصاصی، منظور شد. لازم به ذکر است که به دلیل شیوع ویروس کرونا و شرایط موجود در کشور، امکان مصاحبهٔ رودررو برای محققین امکان‌پذیر نبود؛ بنابراین، تمامی مصاحبه‌ها، به‌صورت تلفنی و با پیگیری‌های متعدد (۲ الی ۳ بار)، صورت پذیرفت. جهت معرفی مشارکت‌کنندگان پژوهش، از جدولی به شرح زیر با عنوان مشخصات پاسخگویان استفاده شده است.

جدول ۲. مشخصات پاسخگویان

ردیف	مسئولیت سازمانی	جنسیت	مرتبهٔ علمی	سابقهٔ فعالیت در زمینهٔ نوآوری اجتماعی دانشگاهی و تعامل دانشگاه با جامعه	نوع سابقه
۱	عضو هیئت‌علمی گروه علوم اجتماعی	مرد	دکترای جامعه‌شناسی	۱۵ سال	اجرائی، آموزشی و پژوهشی
۲	عضو هیئت‌علمی گروه علوم اجتماعی	زن	دکترای علوم اجتماعی	۳-۶ سال	اجرائی، آموزشی و پژوهشی
۳	عضو هیئت‌علمی گروه مدیریت دولتی و رئیس دانشگاه علمی و کاربردی	مرد	دکترای مدیریت دولتی	۱۷ سال	اجرائی، آموزشی، پژوهشی و فعال اجتماعی
٤	عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه علوم	مرد	دکترای انسان‌شناسی	۱۲ سال	اجرائی، آموزشی و

[1] برای نمونه‌گیری، نخست با نظر استاد راهنما (که از صاحبنظران، پژوهشگران و فعالین حوزهٔ آموزش عالی کشور در زمینهٔ مورد پژوهش هستند)، مصاحبه‌شوندگان براساس تجارب پژوهشی و فعالیت در این حوزه، بعنوان نمونه انتخاب شدند. سپس، در فرآیند مصاحبه نیز، مشارکت‌کنندگان بعدی در زمینهٔ پژوهش، توسط مشارکت‌کنندگان پیشین معرفی شدند.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.2008000.1400.13.4.3.3]

	انسانی و مطالعات فرهنگی		اجتماعی ـ فرهنگی		پژوهشی
۵	مدرس حوزهٔ علمیه و دانشگاه	مرد	کارشناسی فلسفه و اخلاق آکادمیک	۱۸ سال	آموزشی و پژوهشی
٦	عضو هیئت‌علمی گروه مدیریت دولتی	مرد	دکترای سیاست‌گذاری علم و فناوری	۵–۱۰ سال	اجرائی، آموزشی و پژوهشی
۷	عضو هیئت‌علمی گروه مدیریت دولتی	مرد	دکترای سیاست‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری	٦–۱۱ سال	اجرائی، آموزشی و پژوهشی
۸	عضو هیئت‌علمی دانشگاه و نمایندهٔ گروه جهادی السابقون وابسته به دانشگاه صنعتی امیرکبیر	مرد	دکترای ریاضی محض	۱۰–۱۵ سال	آموزشی، پژوهشی و فعال اجتماعی
۹	عضو هیئت‌علمی دانشگاه و نمایندهٔ مؤسسهٔ خیریهٔ دست‌یاری بسوی دشتیاری	مرد	دکترای اقتصاد اسلامی	۱۰–۱۸ سال	آموزشی، پژوهشی و فعال اجتماعی
۱۰	مدرس مدرسهٔ نوآوری اجتماعی روشنا وابسته به پژوهشکدهٔ سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف	زن	کارشناسی ارشد کارآفرینی عمومی	۳–٦ سال	اجرائی
۱۱	مدرس مدرسهٔ نوآوری اجتماعی روشنا وابسته به پژوهشکدهٔ سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف	مرد	کارشناسی ارشد مدیریت دولتی	۷ سال	اجرائی
۱۲	مدرس مرکز نوآوری اجتماعی احسان وابسته به دانشگاه سیستان و بلوچستان	زن	کارشناسی ارشد کارآفرینی سازمانی	٤–٦ سال	اجرائی و فعال اجتماعی
۱۳	عضو هیئت‌علمی دانشگاه	مرد	دکترای کارآفرینی	۹ سال	آموزشی و پژوهشی
۱٤	عضو هیئت‌علمی دانشگاه	زن	دکترای مدیریت آموزشی	۱۰ سال	آموزشی و پژوهشی
۱۵	عضو هیئت‌علمی دانشگاه	مرد	دکترای جامعه‌شناسی	۲۱ سال	آموزشی و پژوهشی
۱٦	عضو هیئت‌علمی دانشگاه	مرد	دکترای مدیریت دولتی	۱۳ سال	آموزشی و پژوهشی
۱۷	عضو هیئت‌علمی دانشگاه	مرد	دکترای علوم اجتماعی	۱۷ سال	آموزشی و پژوهشی
۱۸	عضو هیئت‌علمی دانشگاه	زن	دکترای مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی	۱۲ سال	آموزشی و پژوهشی

مراحل انجام پژوهش

فرآیند اجرای تحقیق با روش‌شناسی کیو به شرح زیر است؛ در گام نخست، با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، ادبیات تحقیق و پیشینهٔ پژوهش بررسی‌شده و پیش‌زمینهٔ انجام فازهای بعدی، فراهم می‌آید. بطوریکه، محقق با انجام فاز اول، نسبت به موضوع شناخت عمیقی می‌یابد. در گام دوم، با استفاده از مصاحبه و یا در بعضی موارد، بررسی اسناد و مدارک، اطلاعات تکمیلی، در خصوص مسائل مرتبط با

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1400.13.4.3.3]

تحقیق، کسب می‌شود. نتایج گام نخست و دوم، فضای گفتمان را تشکیل می‌دهد (برون و همکاران[1]، ۲۰۱۹: ۹). در گام سوم، با استفاده از ارزیابی و جمع‌بندی محتویات فضای گفتمان، به آن، سروسامان، داده می‌شود و نمونه‌ای از عبارات را، به‌عنوان نمونهٔ کیو، انتخاب می‌گردد. نمونهٔ کیو، بایستی، به‌گونه‌ای، انتخاب شود که نمایندهٔ نظرات و نگرش‌های مختلف در خصوص پدیدهٔ مورد بررسی باشد. در گام چهارم، مشارکت‌کنندگان به مرتب‌سازی و دسته‌بندی کارت‌های دستهٔ کیو خواهند پرداخت. در حقیقت، این فاز، مرحلهٔ گردآوری داده‌ها است. در گام نهایی نیز، به تحلیل داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از روش تحلیل عاملی کیو و تفسیر عامل‌های استخراج‌شده پرداخته می‌شود (الینکسن و همکاران[2]،۲۰۱۰:۶۹). روش تحلیل عاملی، اصلی‌ترین روش آماری برای تحلیل ماتریس داده‌های کیو می‌باشد. در این مرحله، می‌توان، از نرم‌افزارهای مختلفی چون PCQ، PQMethod و SPSS استفاده کرد. برای ارائهٔ نتایج در دو نرم‌افزار اول، از روش سنتروید[3] استفاده می‌شود؛ ولی روش استفاده، در نرم‌افزار SPSS شامل روش واریماکس[4] است. البته، نتایج روش واریماکس با سنتروید، چندان متفاوت نیست، پس می‌توان از SPSS برای تحلیل داده‌ها استفاده کرد (خوشگویان‌فرد[5]، ۲۰۱۰).

با توجه به مطالب ذکرشده، هدف اصلی پژوهش‌های مبتنی بر کیو، تأمین کفایت محتوای فضای گفتمان یا نظریه، به‌منظور اخذ احساسات، افکار، عقاید و نگرش‌های مشارکت‌کنندگان است که حتماً، شامل حقایق نیست؛ بلکه، عقاید و برداشت‌های شخصی افراد از متغیرها، رفتارها و مفاهیم را شامل می‌شود؛ بنابراین، عبارات یا گویه‌های جمع‌آوری‌شده را، به‌اصطلاح، تصورات و قضاوت‌های خود مرجع افراد، نیز، می‌گویند که بیانگر گرایش‌ها و تجربیات آنان، دربارهٔ موضوع ذهنی بوده و بررسی نحوهٔ تبادل افکار، گفتگوها و میزان خلاقیت را مورد توجه قرار می‌دهد. در این مرحله، نگرش‌ها و عقاید خبرگان دانشگاهی در خصوص چالش‌های پیش روی تعامل دانشگاه با جامعه بررسی می‌گردد و هر گزینه، بر روی یک کارت کیو[6]، قرار داده می‌شود. زمانی که با ۱۸ نفر از خبرگان دانشگاهی مصاحبه شد؛ درواقع، مرحلهٔ نخست، انجام و نتایج آن، با استفاده از کدگذاری زنده، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت که شرح آن در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۳. گزاره‌های کیو مستخرج از فضای گفتمان

شماره	گزینه‌های نمونهٔ کیو
۱	ضعف در هم‌راستاسازی آموزش با الزامات آموزشی تعامل دانشگاه با جامعه
۲	ضعف در هم‌راستاسازی پژوهش با الزامات پژوهشی تعامل دانشگاه با جامعه
۳	ضعف سیاست‌های کلان آموزشی در سطح نظام آموزش عالی بدون توجه به نیازهای جامعه
٤	ضعف سیاست‌گذاری‌های کلان پژوهشی و تحقیقاتی در سطح نظام آموزش عالی بدون توجه به نیازهای جامعه
٥	عدم‌شمول شاخص‌های اجتماعی در نظام رتبه‌بندی دانشگاه‌ها
٦	عدم توجه به آموزش مسئولیت‌پذیری و نوآوری اجتماعی به شکل عموم در سطح دانشگاه و جامعه
۷	نارسائی تدوین و تهیهٔ آیین‌نامه‌ها و مقررات لازم به‌منظور تسهیل ارتباط پژوهش‌های علمی دانشگاه و نیازهای جامعه
۸	ضعف فعالیت‌های تدریس، آموزش و یادگیری فعال در جهت ایجاد مهارت‌های درگیری و تحرک اجتماعی در دانشجویان
۹	ابهام در مفهوم‌سازی تعامل دانشگاه با جامعه و توسعهٔ ضعیف گفتمان مسئولیت و نوآوری اجتماعی
۱۰	نگرش منفی متولیان آموزش عالی نسبت رویکرد محیطی و جامعه‌گرایی و عدم التزام عملی آنان نسبت به قابل اجرا بودن تحقیقات
۱۱	ضعف موجود در زیرساخت‌ها و سیستم‌های اطلاعاتی مناسب جهت مبادلهٔ جریان دوطرفهٔ دانش بین دانشگاه و جامعه
۱۲	الگوبرداری نامناسب از دانشگاه‌های موفق جهانی در زمینهٔ تعامل دانشگاه و جامعه بدون توجه به ارزش‌ها، باورهای بومی و نمادهای

[1] Brown & etal
[2] Ellingsen & etal
[3] Centroid
[4] Varimax
[5] Khoshgoyan Fard
[6] Q deck

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.20088000.1400.13.4.3.3]

	فرهنگی و اسلامی
۱۳	نارسائی در توسعهٔ فرهنگی تحقیقات و نوآوری در دانشگاه‌ها جهت تسهیل تعامل دانشگاه با جامعه
۱٤	اهمیت دادن به وجه آموزش بر وجه پژوهش در دانشگاه‌ها و گرایش به تئوری گرایی و مدرک‌گرایی
۱۵	غلبهٔ تفکر ایدئولوژیک و اصرار مجریان بر تدوین برنامه‌های درسی آموزش عالی به‌صورت آرمانی و نه بر اساس واقعیت‌های موجود در جامعه
۱٦	ضعف در ایجاد رشته‌ها و رویکردهای تحقیقاتی میان‌رشته‌ای و چند رشته‌ای جهت تقویت ارتباط بین دانشگاه و جامعه
۱۷	فرهنگ ملی کلان و تنوع فرهنگی خرد در سطح کشور و تأثیرگذاری آن‌ها بر دانشگاه و جامعه
۱۸	نامناسب بودن سیاست‌گذاری‌های خرد پژوهشی و تحقیقاتی در سطح دانشگاه‌ها بدون توجه به نیازهای بومی منطقهٔ خود
۱۹	نامناسب بودن سیاست‌های خرد آموزشی در سطح نظام دانشگاه‌ها بدون توجه به نیازهای بومی منطقهٔ خود
۲۰	جهت‌گیری ضعیف پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی در راستای واقعیت‌ها و نیازهای جامعه
۲۱	تمایل اندک در مشارکت و همکاری میان دانشگاه‌ها، اساتید و دانشجویان در جهت رفع مشکلات جوامع محلی
۲۲	واکنش ضعیف و یا عدم واکنش دانشگاهیان نسبت به اندک بازخوردهای دریافتی از جامعه
۲۳	نبود ساختارهای تشویقی و انگیزشی مناسب برای دانشگاهیان جهت حرکت در مسیر حل مشکلات جامعه
۲٤	بی‌توجهی به اصلاح ساختار تصمیم‌گیری، شیوهٔ ادارهٔ امور، دادن اختیار و آزادی عمل به دانشگاه‌ها
۲۵	نبود استقلال دانشگاهی و وابستگی اقتصادی به منابع دولتی در دانشگاه‌ها
۲٦	ارزش‌ها و هنجارهای مورد تأکید نظام آموزش عالی که بعضاً متناقض‌اند
۲۷	ضعف موجود در توسعهٔ فضای تعامل فکری و هم‌اندیشی‌های مشترک میان دانشگاهیان، مسئولین نهادهای اجتماعی و مردم
۲۸	توجه اندک به ایجاد فرهنگ نوآوری، خلق ایده‌های کاربری و تعاملات نوآورانه از سوی دانشگاه‌ها
۲۹	ضعف موجود در توسعهٔ حرفه‌ای دانشگاهیان با هدف توسعهٔ فردی، یادگیری تجربی و مسئولیت در برابر جامعه
۳۰	عدم‌حمایت مناسب از پژوهش‌های تقاضامحور متناسب با نیازها و انتظارات جامعه
۳۱	کمبود تخصیص اعتبارات تحقیقاتی از سوی دولت و دانشگاه‌ها به تحقیقات متناسب با نیازهای جامعه
۳۲	پیشرفت ضعیف فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی در کشور
۳۳	عدم‌آینده‌نگری، حاکمیت تفکر سنتی در نظام آموزش عالی و سنتی بودن جامعه
۳٤	ضعف در تبدیل پژوهش کاربردی به فایدهٔ اجتماعی و قابلیت تعمیم نتایج پژوهش به سطح جامعه
۳۵	بروکراسی اداری، نبود ضوابط و مقررات شفاف و قابل‌اعتماد، ساختار و سلسله‌مراتب غیر پویا، مقاومت‌های درون دانشگاهی و عدم-حمایت مدیران ارشد دانشگاه‌ها
۳٦	ضعف در ایجاد هنجارهای اخلاقی و فرهنگی مسئولیت‌پذیری اجتماعی در جامعه از سوی دانشگاه‌ها
۳۷	روحیهٔ تحول‌گرایی پایین و تغییرپذیری اندک جامعه
۳۸	عدم توجه به تربیت شهروندان فرهیخته با حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی بالا نسبت به مسائل و مشکلات موجود در جامعه
۳۹	نارسائی در ایجاد بانک‌های اطلاعاتی از طرح‌های تحقیقاتی مرتبط با نیازهای واقعی جامعه
٤۰	طولانی بودن زمان انجام پروژه‌های تحقیقاتی توسط دانشگاه‌ها
٤۱	پیچیدگی ارتباطات بین سازمان‌های آموزشی، تحقیقاتی و اجتماعی در کشور
٤۲	عدم وجود اکوسیستم باز جهت برقراری و توسعهٔ تعاملات و ارتباطات نزدیک دانشگاه، دولت و جامعه
٤۳	کمبود تلاش‌های صورت پذیرفته در جهت خلق جامعهٔ مدنی فعال و پویا
٤٤	فضای بستهٔ مدیریت دانشگاه‌ها و مداخلات دولتی در امور مختلف
٤۵	ناهماهنگی بین وزارتخانه‌های مختلف و دانشگاه‌های آموزش عالی در برنامه‌ریزی‌ها و توسعهٔ تعاملات دانشگاه و جامعه
٤٦	عدم وجود تشکیلات واسط مناسب به‌عنوان پل ارتباطی بین دانشگاه و جامعه
٤۷	نارسائی در رشد بخش خصوصی و نهادهای مردمی به‌عنوان یکی از طرف‌های تعامل اجتماعی دانشگاه و جامعه
٤۸	ناآشنائی دانشگاهیان و جامعه از توانمندی‌ها و پتانسیل‌های بومی یکدیگر
٤۹	پشتیبانی و اعتماد دوطرفهٔ اندک میان دانشگاهیان و جامعه به توانایی یکدیگر در حل مسائل و مشکلات

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1400.13.4.3.3]

۵۰	ضعف رسانه‌های جمعی در اطلاع‌رسانی و کم‌رنگ بودن نقش نظارتی آنان بر پاسخگویی اجتماعی دانشگاهیان

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که توضیح داده شد، در فاز دوم، لازم است، مشارکت‌کنندگانی که کارت‌های کیو را، ارزش‌گذاری می‌کنند؛ شناسایی و انتخاب گردند؛ بنابراین، گروه مشارکت‌کنندگان، شامل؛ کسانی‌اند که نمونه‌های کیو را، بر اساس دستورالعمل خاصی، روی یک طیف، مرتب می‌کنند. لازم به ذکر است که مک‌کئون و توماس[1]، تعدادی بین ۳۰ تا ۱۰۰ عبارت را، برای نمونهٔ کیو، پیشنهاد کرده‌اند. دانر[2]، نیز، معتقد است؛ تعداد مناسب عبارات، برای آنکه، یافته‌ها، دارای اعتبار آماری باشند، تعدادی، مابین ۲۰ تا ٦۰ عبارت است. در این پژوهش و در این مرحله، به کمک ۱۸ نفر از مشارکت‌کنندگان، اصلاحات و تغییرات لازم در گزاره‌ها، شکل گرفت و تعدد گزاره‌ها از ۸۳ گزاره به ۵۰ گزاره، کاهش یافت.

سپس، در فاز سوم پژوهش، تکمیل ارزش‌گذاری نمودارهای کیو و استخراج مصاحبه‌ها انجام گرفت. بر این اساس و بر مبنای نظرات مشارکت‌کنندگان و اعمال تغییرات و اصلاحات لازم در گزاره‌ها، کارت‌های نهایی برای ارزش‌گذاری در اختیار خبرگان قرار گرفته و از آن‌ها خواسته شد؛ طبق رویکرد توزیع اجباری و همچنین، دستورالعمل خاص (از +٤ تا ٤-)، هر یک از کارت‌ها را، در نمودارها ارزش‌گذاری نمایند. به‌این‌ترتیب، با توجه به شکل زیر و بر اساس توزیع اجباری، نمونه‌های کیو، در این پژوهش، مرتب و ارزش‌گذاری گردید.

-٤	-۳	-۲	-۱	۰	+۱	+۲	+۳	+٤
٤۹	۱۰	۲۲	٤۸	٤۱	۱۸	٤۷	۲۹	۵۰
۱۷	٤۳	٤۰	۲٤	۱	٦	٤	۳٤	۲۵
۷	۸	۵	۱۹	۱۵	۲۷	٤۲	۱۱	۲
	۱٤	۹	۲۳	۲٦	۳۰	۲۸	۳۸	
	٤٦	۲۱	۱٦	۳۱	٤٤	۳۹	٤۵	
		۳۵	۱۳	۳	۳۷	۱۲		
			۳۳	۲۰	۳۲			
				۳٦				

شکل ۱. ارزش‌گذاری کارت‌های کیو

منبع: یافته‌های پژوهش

در فاز چهارم، پس‌ازآنکه، داده‌های پژوهش با استفاده از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان به دست آمد و ارزش‌گذاری آن، انجام پذیرفت؛ فاز نهایی پژوهش، آغاز گردید. در این فاز و با توجه به مطالب ذکرشده در بخش‌های قبلی، جهت تحلیل عاملی کیو، در پژوهش حاضر، از روش تحلیل عاملی و نرم‌افزار SPSS استفاده گردید. به‌گونه‌ای که داده‌های مرتب‌شده، به‌وسیله مشارکت‌کنندگان در نرم‌افزار SPSS وارد شد تا به کمک تحلیل عاملی کیو، نگرش‌های مختلف مشارکت‌کنندگان، شناسایی و به کمک آن، به پرسش‌های پژوهش، پاسخ داده شود. لازم به ذکر است که تحلیل داده‌ها، به کمک تحلیل عاملی، انجام پذیرفته که اصلی‌ترین روش برای تحلیل ماتریس داده‌های کیو می‌باشد. مبنای روش تحلیل عاملی، همبستگی میان افراد است. به‌این‌ترتیب، در روش تحلیل عاملی، افراد، به‌جای متغیرها،

[1] McConnell & Thomas
[2] Donner

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.2008000.1400.13.4.3.3]

دسته‌بندی می‌شوند. برای تحقق این موضوع، از چرخش واریماکس[1] که نوعی چرخش متعامد است، استفاده می‌شود. اعداد استخراج-شده از تحلیل عاملی کیو، همان مؤلفه‌های اصلی هستند. بعد از محاسبات نرم‌افزاری بر روی داده‌های گردآوری‌شده، در این پژوهش، مقدار واریانس در ماتریس همبستگی و چرخش عامل‌ها، تقریباً ۷۵ درصد محاسبه شد که مقدار مناسبی برای توضیح نگرش خبرگان دانشگاهی می‌باشد. درنهایت، نیز، با استفاده از مقادیر واریانس، هفت عامل کیو یا نگرش اصلی، استخراج گردید. جدول شمارهٔ چهار، بالاترین امتیازهای عاملی محاسبه‌شده با استفاده از تحلیل مقایسه‌ای را نشان می‌دهد.

جدول ٤. واریانس تبیین‌شده

الگوهای ذهنی (ذهنیت‌ها)	مجموع چرخش بارهای مربعی		
	واریانس تجمعی	درصد واریانس	جمع کل
۱	۱۹/٤۲	۱۹/٤۲	۳/٤۹
۲	۳۰/۹۹	۱۱/٥٦	۲/۰۸
۳	٤۱/۳۷	۱۰/۳۸	۱/۸٦
٤	٥۱/۲۱	۹/۸٤	۱/۷۷
٥	٥۹/۸۰	۸/٥۹	۱/٥٤
٦	٦۷/۲۹	۷/٤۸	۱/۳٤
۷	۷٤/٤۳	۷/۱٤	۱/۲۸

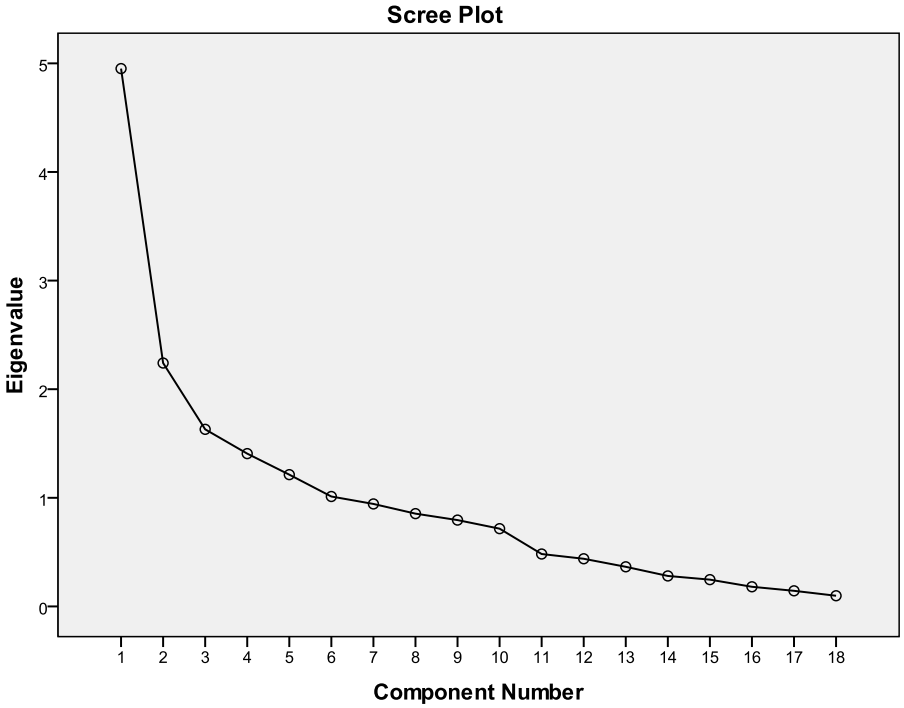
منبع: یافته‌های پژوهش

نمودار سنگریزه، نیز، بیانگر تغییرات مقادیر ویژه در ارتباط با عوامل (نگرش مشارکت‌کنندگان) است. در این نمودار، عوامل با مقادیر ویژهٔ بالای یک که نشان‌دهندهٔ نگرش‌های افراد هستند؛ کاملاً، مشخص می‌باشند. همان‌طور که در نمودار زیر، به‌طور مشخص، نمایان است؛ از عامل پنجم به بعد، تغییرات مقادیر ویژه، به شکل محسوسی، کمتر و درواقع، دارای نوسان نزولی می‌شود. هرچند، در پاره‌ای از مواقع، دارای نوسانات کوچک صعودی می‌شود، اما به شکل کلی، دارای نوسان نزولی است. به عبارتی، بعد از عامل پنجم، با افزایش تعداد عوامل، تغییرات چشمگیری در واریانس تبیین‌شدهٔ کل، مشاهده نمی‌گردد.

[1] Varimax

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1400.13.4.3.3]



شکل ۲. نمودار سنگریزه

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ٤، نشان‌دهندهٔ دسته‌بندی نگرش خبرگان دانشگاهی، در هفت نگرش مختلف نسبت به چالش‌های پیش روی تعامل دانشگاه با جامعه می‌باشد. توصیف و تشریح هریک از نگرش‌های نمایان‌شده، در این جدول، بدین‌صورت می‌باشد که غالب خبرگان دانشگاهی (۱۹/٤۲ درصد)، در نگرش اول، قرار دارند. تقریباً، ۱۲ درصد از خبرگان در نگرش دوم؛ ۱۰/۳۸ درصد، در نگرش سوم و ۹/۸٤ درصد از خبرگان در نگرش چهارم قرار دارند که این چهار گروه، تقریباً، ۵۳ درصد از مشارکت‌کنندگان را تشکیل می‌دهند؛ بنابراین، در اولویت، قرار خواهند گرفت. سایر نگرش‌های مستخرج شده نیز، با توجه به درصدهای تفکیک‌شده، مجموعاً، ٤۷ درصد را به خود اختصاص داده‌اند و در رده‌های بعدی اولویت، قرار می‌گیرند. با توجه به مطالب بیان‌شده، این نگرش‌ها، شامل موارد زیر می‌باشد:

نگرش اول: چالش‌های نظام آموزشی و پژوهشی؛

نگرش دوم: چالش‌های نظام سیاست‌گذاری؛

نگرش سوم: چالش‌های نظام ساختاری و مدیریتی؛

نگرش چهارم: چالش‌های نظام فرهنگی و ارزشی؛

نگرش پنجم: چالش‌های روان‌شناختی و ایدئولوژیک؛

نگرش ششم: چالش‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات؛

نگرش هفتم: چالش‌های مشارکت و همکاری.

جدول شمارهٔ پنج، نیز، نشان‌دهنده ماتریس بارهای عاملی چرخشی دربارهٔ نگرش‌های شناسایی‌شده می‌باشد که در این ماتریس، نگرش-های مشارکت‌کنندگان، در قالب الگوهای بیان‌شده، قرار می‌گیرند. این جدول، به تفکیک زیر و با در نظر گرفتن کد اختصاصی، برای هریک از مشارکت‌کنندگان (خبرگان دانشگاهی مصاحبه شده) قابل‌مشاهده است.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1400.13.4.3.3]

جدول ۵. ماتریس بارهای عاملی چرخشی دربارهٔ نگرش‌های شناسایی‌شده

مشارکت‌کنندگان	الگوی اول	الگوی دوم	الگوی سوم	الگوی چهارم	الگوی پنجم	الگوی ششم	الگوی هفتم
W001	۰/۳۳۷	۰/۱۴۸	۰/۸۷۹	۰/۲۶۴	۰/۲۰۰	۰/۱۰۹	۰/۱۱۲
W002	۰/۰۰۹	۰/۱۵۴	۰/۱۱۰	۰/۲۶۴	۰/۲۴۴	۰/۴۲۱	۰/۵۷۱
W003	۰/۳۵۶	۰/۳۲۲	۰/۲۵۱	۰/۱۵۴	۰/۶۹۹	۰/۰۱۰	۰/۲۱۸
W004	۰/۴۲۱	۰/۶۶۱	۰/۴۳۱	۰/۱۴۱	۰/۲۱۴	۰/۰۷۰	۰/۲۹۷
W005	۰/۸۸۳	۰/۲۱۷	۰/۲۳۱	۰/۱۲۷	۰/۱۱۳	۰/۱۳۲	۰/۳۴۱
W006	۰/۷۸۴	۰/۱۲۰	۰/۴۴۰	۰/۰۰۸	۰/۴۵۱	۰/۲۴۸	۰/۲۸۰
W007	۰/۱۷۴	۰/۳۹۹	۰/۶۵۴	۰/۳۶۱	۰/۵۱۶	۰/۰۸۳	۰/۰۱۹
W008	۰/۳۲۴	۰/۴۵۱	۰/۱۲۶	۰/۳۱۹	۰/۷۰۱	۰/۲۱۴	۰/۲۰۹
W009	۰/۲۱۵	۰/۶۵۷	۰/۴۶۱	۰/۲۱۸	۰/۲۱۳	۰/۰۲۵	۰/۳۰۴
W0010	۰/۰۰۵	۰/۱۹۹	۰/۲۱۶	۰/۲۰۳	۰/۱۱۱	۰/۶۱۲	۰/۲۵۵
W0011	۰/۳۱۱	۰/۲۷۸	۰/۳۴۱	۰/۱۶۰	۰/۶۶۳	۰/۵۴۲	۰/۰۵۲
W0012	۰/۲۱۶	۰/۳۶۴	۰/۳۱۲	۰/۲۴۵	۰/۱۹۶	۰/۴۱۰	۰/۵۸۴
W0013	۰/۱۵۴	۰/۲۱۸	۰/۴۱۶	۰/۳۱۴	۰/۳۴۹	۰/۲۴۱	۰/۷۳۵
W0014	۰/۳۴۶	۰/۳۲۱	۰/۳۶۶	۰/۶۹۹	۰/۳۱۶	۰/۳۴۷	۰/۱۷۸
W0015	۰/۱۶۴	۰/۵۸۱	۰/۱۸۹	۰/۲۷۱	۰/۴۲۱	۰/۳۲۴	۰/۲۶۳
W0016	۰/۶۶۸	۰/۳۳۶	۰/۱۲۵	۰/۳۶۵	۰/۱۰۹	۰/۰۹۹	۰/۳۵۶
W0017	۰/۳۸۱	۰/۰۰۹	۰/۴۳۱	۰/۱۵۵	۰/۱۸۹	۰/۵۹۸	۰/۱۵۷
W0018	۰/۲۹۴	۰/۱۱۷	۰/۱۱۳	۰/۸۱۱	۰/۳۰۷	۰/۳۱۵	۰/۱۲۹

منبع: یافته‌های پژوهش

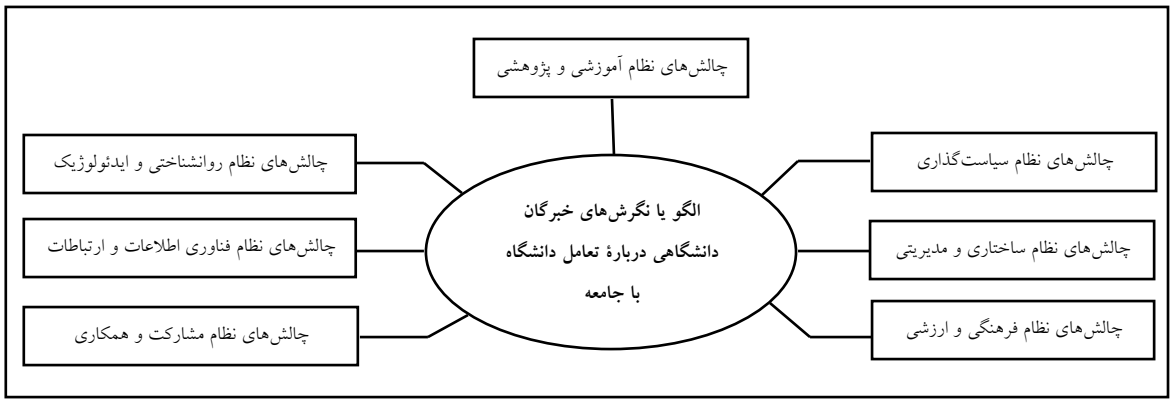
بعد از تشکیل ماتریس چرخش‌یافتهٔ عوامل؛ برای آزمون معناداری هر یک از الگوها (نگرش‌ها)، می‌بایست، از قدر مطلق $\frac{1.96}{\sqrt{n}}$ استفاده کرد. بدین‌صورت ککهااگرقدر مطلق بار عاملی از $\frac{1.96}{\sqrt{n}}$ بزرگ‌تر باشد، آنگاه، آن بار عاملی، در سطح خطای ۵ درصد معنادار است. همچنین، لازم به ذکر است که n نشان‌دهندهٔ تعداد کارت‌های مطالعهٔ کیو است. به‌این‌ترتیب، بر مبنای فرمول ($\frac{1.96}{\sqrt{n}}$) حد استاندار برابر ۰/۲۹ است. ازاین‌رو، با توجه به جدول فوق و با عنایت به این نکته که تمامی بارهای عاملی مشخص‌شده دارای مقادیری بیش از ۰/۲۹ می‌باشند؛ می‌توان، اذعان داشت که همهٔ مقادیر، معنادار هستند. از طرفی، با توجه به جدول ۵، دیدگاه مشارکت‌کنندگان W005، W006، W0016 با الگو (نگرش) اول و با بار عاملی چرخشی بالای ۰/۵۷۰، همبستگی قوی دارد. دیدگاه مشارکت‌کنندگان W004، W009، W0015 با الگو (نگرش) دوم؛ مشارکت‌کنندگان W001، W007 با الگو (نگرش) سوم؛ مشارکت‌کنندگان W0014، W0018 با الگو (نگرش) چهارم؛ مشارکت‌کنندگان W003، W008، W0011 با الگو (نگرش) پنجم؛ مشارکت‌کنندگان W0010، W0017 با الگو (نگرش) ششم و درنهایت، مشارکت‌کنندگان W002، W0012، W0013 با الگو (نگرش) هفتم، همبستگی قوی بالای ۰/۵۷۰ دارند. بارهای عاملی چرخشی با همبستگی قوی، در هریک از کدهای تخصصی (مشارکت‌کنندگان) با رنگی متفاوت در جدول بالا جایگذاری شده که مقادیر هریک از آن‌ها نیز، به تفکیک قابل‌مشاهده است.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1400.13.4.3.3]

بحث و نتیجه‌گیری

رسالت دانشگاه‌ها و آموزش عالی، درگذر زمان، دچار تغییرات مداوم بوده و از آموزش به پژوهش؛ سپس، به کارآفرینی و درنهایت، به پاسخگویی اجتماعی، تبدیل شده است. به گونه ای‌که امروزه، دانشگاه، مختص فضای آکادمیک و جامعهٔ علمی نیست؛ بلکه، در قبال کل جامعه، احساس مسئولیت می‌کند و از رویکرد بسته به رویکردی تعاملی و باز، تغییر جهت داده است؛ بنابراین، نیازمند تحول در ساختارهای سخت و نرم خود است تا بتواند، نقش و رسالت خود را به بهترین شکل انجام دهد. در شرایط کنونی، آموزش عالی کشور، دچار مشکلاتی نظیر نداشتن ارتباط با جامعه، تولیدات علمی غیر هدفمند، شکاف موجود میان دغدغه‌های جامعه و دانشگاه، عدم تناسب میان تعداد دانشجویان با نیازهای جامعه و غیره است. موضوعات این‌چنینی و تحولات جاری نظام آموزشی در کشور، نشان می‌دهد که دانشگاه‌ها و آموزش عالی، بایستی، ضمن توجه به حفظ و بهبود کیفیت آموزش و پژوهش خود که همواره، از جملهٔ مهم‌ترین فعالیت-های دانشگاه‌ها بوده به مرتفع نمودن نیازهای جامعه نیز، بپردازند. ازاین‌رو، جهت‌گیری دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به این سمت‌وسو و کشف روش‌هایی جهت تعامل بیشتر دانشگاه با جامعه، الزامی، به نظر می‌رسد. جهت تحقق این امر، انجام تحقیقاتی در زمینهٔ بررسی چالش‌ها و موانع موجود بر سر راه برقراری تعامل سازنده میان بخش اصلی علم و نوآوری در کشور، یعنی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی با جامعه، دارای اهمیت دوچندانی است؛ بنابراین، در این پژوهش تلاش گردید تا با شناسایی مهم‌ترین چالش‌های پیش روی تعامل دانشگاه با جامعه، گامی، در این مسیر، برداشته شود. جدول شمارهٔ سه که با عنوان گزاره‌های کیو مستخرج از فضای گفتمان می‌باشد؛ درواقع، بیانگر چالش‌ها و موانعی است که پاسخی برای سؤال اول پژوهش نیز، محسوب می‌گردد. علاوه بر آن، نگرش خبرگان دانشگاهی، با توجه به تجربیات مختلف آن‌ها، در حیطهٔ موضوع مورد بررسی نیز، شناسایی گردید. به‌گونه‌ای که نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که متخصصان دانشگاهی با هفت نگرش کاملاً متفاوت، یعنی؛ چالش‌های نظام آموزشی و پژوهشی؛ چالش-های نظام سیاست‌گذاری؛ چالش‌های نظام ساختاری و مدیریتی؛ چالش‌های نظام فرهنگی و ارزشی؛ چالش‌های روان‌شناختی و ایدئولوژیک؛ چالش‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات و درنهایت، چالش‌های مشارکت و همکاری، به موضوع تعامل میان دانشگاه و جامعه می‌نگرند. الگوی پیشنهادی پژوهش حاضر نیز، مشتمل بر همین هفت الگو یا نگرش است که در شکل زیر ترسیم گردید:



شکل ۳. الگو یا نگرش‌های صاحب‌نظران دانشگاهی

منبع: یافته‌های پژوهش

چارچوب ارائه‌شده در شکل فوق، بیانگر عقاید مشارکت‌کنندگان، در این پژوهش و پاسخی، برای سؤال دوم پژوهش می‌باشد؛ زیرا اشاره به تنوع دیدگاه و نظرات میان متخصصان دارد. یافته‌های تحقیق، بیانگر وجود موانع و چالش‌های مختلفی در حوزهٔ مورد مطالعه است که در غالب نگرش‌های موجود در جداول ۳ و ۵، قابل‌مشاهده می‌باشند. با توجه به جدول شمارهٔ پنج، ۱۹/۴۲ درصد از خبرگانی که الگو یا نگرش اول، یعنی؛ چالش‌های نظام آموزشی و پژوهشی را انتخاب نموده‌اند؛ بر این اعتقادند که مضامینی چون؛ عدم توجه به آموزش

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.2008000.1400.13.4.3.3]

مسئولیت‌پذیری و نوآوری اجتماعی به شکل عموم در سطح دانشگاه و جامعه؛ جهت‌گیری ضعیف پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی در راستای واقعیت‌ها و نیازهای جامعه؛ عدم‌حمایت مناسب از پژوهش‌های تقاضامحور متناسب با نیازها و انتظارات جامعه؛ ضعف در تبدیل پژوهش کاربردی به فایدهٔ اجتماعی و قابلیت تعمیم نتایج پژوهش به سطح جامعه؛ ضعف فعالیت‌های تدریس، آموزش و یادگیری فعال در جهت ایجاد مهارت‌های درگیری و تحرک اجتماعی در دانشجویان؛ ضعف در هم‌راستاسازی آموزش با الزامات آموزشی تعامل دانشگاه با جامعه؛ ضعف در هم‌راستاسازی پژوهش با الزامات پژوهشی تعامل دانشگاه با جامعه؛ ضعف در ایجاد رشته‌ها و رویکردهای تحقیقاتی میان‌رشته‌ای و چند رشته‌ای جهت تقویت ارتباط بین دانشگاه و جامعه؛ اهمیت دادن به وجه آموزش بر وجه پژوهش در دانشگاه‌ها و گرایش به تئوری گرایی و مدرک‌گرایی؛ طولانی بودن زمان انجام پروژه‌های تحقیقاتی توسط دانشگاه‌ها و تمایل اندک در مشارکت و همکاری میان دانشگاه‌ها، اساتید و دانشجویان در جهت رفع مشکلات جوامع محلی به‌عنوان مهم‌ترین موانع و چالش‌های موجود در نظام آموزشی و پژوهشی کشور می‌باشند. در الگو یا نگرش دوم، یعنی؛ چالش‌های نظام سیاست‌گذاری، چالش‌های اصلی اشاره‌شده توسط ۱۱/۵۶ درصد از خبرگان دانشگاهی، در حیطهٔ مواردی چون؛ ضعف سیاست‌گذاری‌های کلان پژوهشی و تحقیقاتی در سطح نظام آموزش عالی بدون توجه به نیازهای جامعه؛ نامناسب بودن سیاست‌گذاری‌های خرد پژوهشی و تحقیقاتی در سطح دانشگاه‌ها بدون توجه به نیازهای بومی منطقهٔ خود؛ ضعف سیاست‌های کلان آموزشی در سطح نظام آموزش عالی بدون توجه به نیازهای جامعه و نامناسب بودن سیاست‌های خرد آموزشی در سطح نظام دانشگاه‌ها بدون توجه به نیازهای بومی منطقهٔ خود بوده است. در الگو یا نگرش سوم، یعنی؛ چالش‌های نظام ساختاری و مدیریتی، موضوعاتی نظیر؛ کمبود تخصیص اعتبارات تحقیقاتی از سوی دولت و دانشگاه‌ها به تحقیقات متناسب با نیازهای جامعه؛ واکنش ضعیف و یا عدم واکنش دانشگاهیان نسبت به اندک بازخوردهای دریافتی از جامعه؛ نارسائی تدوین و تهیهٔ آیین‌نامه‌ها و مقررات لازم به‌منظور تسهیل ارتباط پژوهش‌های علمی دانشگاه و نیازهای جامعه؛ نبود ساختارهای تشویقی و انگیزشی مناسب برای دانشگاهیان جهت حرکت در مسیر حل مشکلات جامعه؛ نبود استقلال دانشگاهی و وابستگی اقتصادی به منابع دولتی در دانشگاه‌ها؛ ضف موجود در توسعهٔ حرفه‌ای دانشگاهیان با هدف توسعهٔ فردی، یادگیری تجربی و مسئولیت در برابر جامعه؛ بی-توجهی به اصلاح ساختار تصمیم‌گیری، شیوهٔ ادارهٔ امور، دادن اختیار و آزادی عمل به دانشگاه‌ها؛ بروکراسی اداری، نبود ضوابط و مقررات شفاف و قابل‌اعتماد، ساختار و سلسله‌مراتب غیر پویا، مقاومت‌های درون دانشگاهی و عدم‌حمایت مدیران ارشد دانشگاه‌ها؛ فضای بستهٔ مدیریت دانشگاه‌ها و مداخلات دولتی در امور مختلف و عدم‌شمول شاخص‌های اجتماعی در نظام رتبه‌بندی دانشگاه‌ها، به‌عنوان موانع و چالش‌های اصلی این حیطه، توسط تقریباً ۱۱ درصد از خبرگان دانشگاهی، شناسایی شدند. ۹/۸۴ درصد از متخصصان دانشگاهی، الگو یا نگرش چهارم، یعنی؛ چالش‌های نظام فرهنگی و ارزشی را در برگیرندهٔ موانعی چون؛ ارزش‌ها و هنجارهای مورد تأکید نظام آموزش عالی که بعضاً، متناقض‌اند؛ فرهنگ ملی کلان و تنوع فرهنگی خرد در سطح کشور و تأثیرگذاری آن‌ها بر دانشگاه و جامعه؛ نارسائی در توسعهٔ فرهنگی تحقیقات و نوآوری در دانشگاه‌ها جهت تسهیل تعامل دانشگاه و جامعه؛ توجه اندک به ایجاد فرهنگ نوآوری، خلق ایده-های کاربری و تعاملات نوآورانه از سوی دانشگاه‌ها؛ پشتیبانی و اعتماد دوطرفهٔ اندک میان دانشگاهیان و جامعه به توانایی یکدیگر در حل مسائل و مشکلات؛ ناآشنائی دانشگاهیان و جامعه از توانمندی‌ها و پتانسیل‌های بومی یکدیگر و ضعف در ایجاد هنجارهای اخلاقی و فرهنگی مسئولیت‌پذیری اجتماعی در جامعه از سوی دانشگاه‌ها برشمردند. در الگو یا نگرش پنجم، یعنی؛ چالش‌های روان‌شناختی و ایدئولوژیک، ۸/۵۹ درصد از خبرگان، نیز، مواردی چون؛ غلبهٔ تفکر ایدئولوژیک و اصرار مجریان بر تدوین برنامه‌های درسی آموزش عالی به‌صورت آرمانی و نه بر اساس واقعیت‌های موجود در جامعه؛ الگوبرداری نامناسب از دانشگاه‌های موفق جهانی در زمینهٔ تعامل دانشگاه و جامعه بدون توجه به ارزش‌ها، باورهای بومی و نمادهای فرهنگی و اسلامی؛ ضعف موجود در توسعهٔ فضای تعامل فکری و هم‌اندیشی‌های مشترک میان دانشگاهیان، مسئولین نهادهای اجتماعی و مردم؛ ابهام در مفهوم‌سازی تعامل دانشگاه و جامعه و توسعهٔ ضعیف گفتمان مسئولیت و نوآوری اجتماعی؛ عدم‌آینده‌نگری، حاکمیت تفکر سنتی در نظام آموزش عالی و سنتی بودن جامعه و نگرش منفی متولیان آموزش عالی نسبت رویکرد محیطی و جامعه‌گرایی و عدم التزام عملی آنان نسبت به قابل اجرا بودن تحقیقات را به‌عنوان موانع اصلی، شناسایی نمودند. الگو یا نگرش ششم، یعنی؛ چالش‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، با درصد واریانس ۷/۴۸ درصدی و

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1400.13.4.3.3]

با مضامینی نظیر؛ نارسائی در ایجاد بانک‌های اطلاعاتی از طرح‌های تحقیقاتی مرتبط با نیازهای واقعی جامعه؛ پیشرفت ضعیف فناوری-های نوین اطلاعاتی و ارتباطی در کشور؛ ضعف موجود در زیرساخت‌ها و سیستم‌های اطلاعاتی مناسب جهت مبادلهٔ جریان دوطرفهٔ دانش بین دانشگاه و جامعه؛ ضعف رسانه‌های جمعی در اطلاع‌رسانی و کم‌رنگ بودن نقش نظارتی آنان بر پاسخگویی اجتماعی دانشگاهیان؛ عدم وجود اکوسیستم باز جهت برقراری و توسعهٔ تعاملات و ارتباطات نزدیک دانشگاه، دولت و جامعه؛ پیچیدگی ارتباطات بین سازمان‌های آموزشی، تحقیقاتی و اجتماعی در کشور؛ ناهماهنگی بین وزارتخانه‌های مختلف و دانشگاه‌های آموزش عالی در برنامه-ریزی‌ها و توسعهٔ تعاملات دانشگاه و جامعه و عدم وجود تشکیلات واسط مناسب به‌عنوان پل ارتباطی بین دانشگاه و جامعه نیز، شناسایی گردید. بیش از ۷ درصد از خبرگان دانشگاهی، نهایتاً، الگو یا نگرش هفتم، یعنی؛ چالش‌های مشارکت و همکاری را شامل چالش‌هایی چون؛ روحیهٔ تحول‌گرایی پایین و تغییرپذیری اندک جامعه؛ عدم توجه به تربیت شهروندان فرهیخته با حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی بالا نسبت به مسائل و مشکلات موجود در جامعه؛ کمبود تلاش‌های صورت پذیرفته در جهت خلق جامعهٔ مدنی فعال و پویا و نارسائی در رشد بخش خصوصی و نهادهای مردم را، به‌عنوان یکی از طرف‌های تعامل اجتماعی دانشگاه با جامعه می‌دانند. در راستای پاسخگویی به سؤال سوم پژوهش و اینکه، کدام دیدگاه، اجماع بالاتری دارد، بایستی، اظهار نمود که با استناد به نتایج حاصل از پژوهش حاضر، الگو یا نگرش اول، دوم، سوم و چهارم، یعنی؛ چالش‌های نظام آموزشی و پژوهشی؛ چالش‌های نظام سیاست‌گذاری؛ چالش‌های نظام ساختاری و مدیریتی؛ چالش‌های نظام فرهنگی و ارزشی، درمجموع و با درصد واریانس تقریبی ۵۳ درصد، توسط مشارکت‌کنندگان، به‌عنوان مهم-ترین نگرش‌ها، در اولویت، قرار دارند. در نگاهی تفضیلی و در مسیر ریل‌گذاری در جهت برقراری تعامل دانشگاه با جامعه، بایستی، با ایجاد رشته‌های میان‌رشته‌ای در حوزهٔ آموزش و مورد توجه قرار دادن نیازهای جامعه در حوزهٔ پژوهش به مسئولیت دانشگاه‌ها در جامعه، بیش از بیش اهمیت، قائل شد. علاوه بر آن، مأموریت‌محورساختن دانشگاه‌ها، در کنار ایجاد دگرگونی‌هایی در حوزهٔ سیاست‌های تحقیقاتی و آموزشی، الزامی، به نظر می‌رسد. آنچه، باید، مورد توجه سیاست‌گذاران آموزش عالی کشور قرار بگیرد، این است که برای توسعهٔ تعامل دانشگاه با جامعه، بایستی، متناسب با شرایط و اقتضائات محیطی، آمادگی لازم، در نیروی انسانی و مدیران دانشگاهی، فراهم گردد. همچنین، به دلیل تنوع فرهنگی و جغرافیایی و تفاوت در پتانسیل‌های محیطی کشور، اجرای هرگونه برنامهٔ فرهنگی، نیازمند در نظر گرفتن شرایط منطقه‌ای و اتکاء به توانمندی‌های بومی و سلایق فرهنگی منطقه و طراحی سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی، بر اساس آنان، خواهد بود. از طرفی، بر اساس باور پژوهشگران مطالعهٔ حاضر، سیاست‌ها و برنامه‌های این حیطه، حتی، اگر به بهترین شکل، هم طراحی شوند؛ می‌توانند، به دلیل ساختارهای غیر منعطف و بروکراتیک و همچنین، مدیریت، پشتیبانی و اجرای نادرست، عقیم بمانند؛ زیرا ساختارهای سنتی، در اکثر دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور، جهت مدیریت پیچیدگی‌های مختلف و ارتباط و تعامل با جامعه، به شکل قابل‌توجهی، ناتوان بوده‌اند. به‌گونه‌ای که نمی‌توان با ساختارهای سنتی، نه‌تنها، فرآیندها و سیستم‌های آموزش عالی در عصر حاضر را، هماهنگ و کنترل نمود؛ بلکه، به نیازها و خواسته‌های جامعه نیز، پاسخگو بود؛ بنابراین، برای گذار به سمت تعامل سازندهٔ دانشگاه‌ها با جامعه، به مسئولین دانشگاهی، پیشنهاد می‌گردد تا به طراحی ساختاری‌ای در دانشگاه‌ها، اقدام نمایند که سطوح سازمانی و مقررات اداری کمتری داشته باشند و به اساتید، اعضای هیئت‌علمی و گروه‌های آموزشی، اختیار و آزادی عمل بیشتری در فعالیت‌ها داده شود. طوری که با نهادینه نمودن این‌گونه اقدامات در ساختار سازمانی، زمینهٔ تعامل بیشتر با جامعه برای دانشگاهیان، فراهم گردد. از طرفی، عملیاتی و اجرایی شدن درست آن‌ها، نیازمند تأکید اهمیت و جایگاه این موضوع در میان متولیان اجرایی کشور یا به عبارتی، فرهنگ‌سازی و نهادینه نمودن این نوع طرز فکر می‌باشد. به‌گونه‌ای که این نوع فرهنگ‌سازی در زمینهٔ حل مسائل اجتماعی و در عرصهٔ دانشگاه، نیازمند مشارکت همگانی دانشگاهیان است. بر این اساس، باید، حس مسئولیت در کنشگران اصلی دانشگاه ایجاد کرد؛ زیرا اگر تعامل درست و سازنده، بین دانشگاه و جامعه، در همهٔ ابعاد ممکن برقرار شود؛ این موضوع، علاوه بر شکوفایی و رونق تولید در جامعه، باعث افزایش شادابی و نشاط در بین مردم جامعه می‌شود. طوری که جامعه و مردم نیز، با افتخار از وجود دانشگاه‌های خود، آن‌ها را، به‌عنوان پشتوانهٔ علمی، توانمند و مؤثر، در کنار خود، احساس خواهند کرد و این امر، باعث پویایی بیشتر جامعه خواهد شد؛ بنابراین، با توجه به نتایج حاصله، توجه ویژه به مقولهٔ ارتباط و تعامل میان دانشگاه، دولت، صنعت و جامعه به شکل جدی، توصیه می‌شود؛ زیرا

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.2008000.1400.13.4.3.3]

غالباً، این مسئله، حلقهٔ مفقوده‌ای است که از نظرها، پنهان مانده است. سایر الگوها یا نگرش‌های یافت شده (نگرش پنجم، ششم، هفتم) در این پژوهش، نیز، مجموعاً، با درصد واریانس تقریبی ۴۷ درصد، در رده‌های بعدی اهمیت، قرار دارند. این الگوها، ابعاد نظام‌های روان‌شناختی و ایدئولوژیک، فناوری اطلاعات و ارتباطات و مشارکت و همکاری را در برمی‌گیرند که جهت رفع چالش‌های موجود در این الگوها، بایستی، الگوهای ساختاری و مدیریتی و فرهنگی و ارزشی را که در اولویت‌های بالاتری قرار دارند؛ تسهیل نمود؛ زیرا به اعتقاد محققین این پژوهش، تسهیل الگوهای ذکرشده، می‌تواند، این ابعاد را نیز، به شکل اساسی‌ای، متحول نموده و رفع موانع این‌چنینی را تسریع بخشد. درنهایت، لازم به ذکر است که برای ارزیابی نتایج پژوهش و تعیین اعتبار نتایج کشف‌شده در روش کیو، دو راه وجود دارد. در روش اول، پژوهشگر موظف است تا نتایج پژوهش خود را با پژوهش‌های مشابه قبلی و انجام‌شده مقایسه نماید. این روش، کمک می‌کند تا پژوهشگر، مطمئن شود که سوگیری‌های آگاهانه و ناآگاهانه در فرآیند پژوهش، نتایج پژوهش را تحت تأثیر، قرار نداده است. برای کسب اطمینان از اعتبار دست‌آوردهای این پژوهش، نتایج کسب‌شده را با نتایج پژوهش‌های هم‌راستا که با روش‌های دیگری نظیر؛ پیمایش، مصاحبه و بررسی اسناد و غیره انجام شده بودند، مقایسه نمودیم. مقایسهٔ نتایج این پژوهش با تحقیقات مختلف نیز، نشان می‌دهد که رویکردهای هفت‌گانهٔ پژوهش حاضر به تعامل دانشگاه با جامعه، اگرچه، در یک پژوهش به شکل جامع، تاکنون، دیده نشده است؛ اما در پژوهش‌های جداگانه، مورد حمایت و پشتیبانی، قرار گرفته است. نمونه‌ای از این پژوهش‌های خارجی و داخلی شامل؛ بریندن[1] (۲۰۲۰)، زای‌بت و همکاران[2] (۲۰۱۹)، یولاند و فارینگتون[3] (۲۰۱۸)، کارن و همکاران[4] (۲۰۱۷)، متاوا و همکاران[5] (۲۰۱۶)، هارت و چرچ[6] (۲۰۱۱)، بازمن[7] (۱۹۸۷)، آذر و ذاکر صالحی[8] (۲۰۱۹)، شکرالهی و همکاران[9] (۲۰۱۹)، مهدی[10] (۲۰۱۵) و حسین‌قلی-زاده[11] (۲۰۱۱) می‌باشد. در روش دوم، برای ارزیابی نتایج پژوهش و تعیین اعتبار نتایج کشف‌شده در روش کیو، پژوهشگر؛ می‌تواند؛ نتایج کشف‌شده را در اختیار چند نفر از مشارکت‌کنندگان در پژوهش قرار دهد تا دربارهٔ نتایج کشف‌شده، دیدگاه خود را بیان نمایند. بر این اساس، نتایج پژوهش؛ در اختیار شش مشارکت‌کننده در پژوهش؛ قرار گرفت و مشارکت‌کنندگان؛ تنوع دیدگاه‌های کشف‌شده را تأیید نمودند. نهایتاً، به پژوهشگران آتی توصیه می‌شود، ازآنجایی‌که؛ این پژوهش، با روش کیو و به شکل اکتشافی و توصیفی انجام شده است؛ در تحقیقات پیش‌روی خود؛ از روش‌های پیمایشی و یا سایر روش‌ها، استفاده نموده و نسبت به بررسی این موضوع اقدام نمایند. از طرفی، پژوهشگران محترم، می‌توانند، در راستای شناسایی عوامل و پیشران‌های تسهیل‌کننده دانشگاه جامعه‌محور و تعامل دانشگاه و جامعه نیز، اقدام به انجام تحقیق نمایند تا با ارائهٔ موارد متنوع، قدمی، در راستای رفع موانع موجود در این زمینه، در سیستم آموزش عالی کشور بردارند.

[1] Bryndin
[2] Zaibet & etal
[3] Yolande & Farrington
[4] Karen & etal
[5] Mtawa & etal
[6] Hart & Church
[7] Bozeman
[8] Azar & Zakersalehi
[9] Shokerellahi & etal
[10] Mehdi
[11] Hossein Qolizadeh

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.20088000.1400.13.4.3.3]

منابع

- Abdelrahim, M. MohiEldin, M. & Mahmoud, I. (2019). Docommunity-based Medical Schools Produce More Communitybased Research? A Review of Four Medical Schools in Sudan and Saudi Arabia, **Health Professions Education**, No.2, 1-12.
- Abramo, G. D'Angelo, C.A. & Di Costa, F. (2011). University-industry research collaboration: a model to assess university capability, **Higher Education**, 62(2), 163-181.
- Arasteh, H.R. Nasri, Q. Zain-Abadi, H.R. & Tahani, A.R. (2018). A pathological reflection on the functions of the university in the provision of society's security, **Interdisciplinary Studies of Strategic knowledge**, 8(33), 145-166.
- Asghari, S. & Akbarpourshirazi, M. (2018). Presenting the future scenarios of the country's higher education using the fuzzy cognitive map method, **Research and Planning in Higher Education**, 24(1), 1-26.
- Azadarmaki, T. (2017). **University and the Challenges of Iranian Society**. Tehran: Cultural and Social Studies of the Ministry of Science, Research and Technology.
- Azar, Kh. Namur, Y. Rastgo, A. Hatami, J. & Satari, S. (2019). Designing and validation of service-oriented university model from the perspective of higher experts, **Iran Higher Education**, 11(3), 155-188.
- Azar, Kh. Namur, Y. Rastgo, A. Hatami, J. & Satari, S. (2020). Dimensions and components affecting the promotion of service-oriented universities: qualitative analysis of the views of higher education experts, **Development of Education in Medical Sciences**, 13(37), 40-50.
- Azar, Kh & Zakersalehi, Gh.R. (2019). Criticism and evaluation of the idea of community-oriented university in Iran from the point of view of scientific experts, **Educational Measurement and Evaluation Studies**, 9(28), 233-272.
- Bagheri Majid, R.O (2016). **Designing the University-Society Relationship Model in the Process of Resistance Economy**, doctoral thesis of Urmia University's higher education management department.
- Bozeman, B. (1987). **All organizations are public: bridging public and private organizational theories**, San Francisco: Jossey-Bass, 1-174.
- Brown, S. R. Baltrinic, E. & Jencius, M. (2019), From concourse to Q sample to testing theory, **Operant Subjectivity**, No.41, 1–17.
- Brown, S. During, D. & Selden, S. (2008). **Q Methodology, (in C.miller & K.Yengleds) Handbook of Research Methods in Public Administration or Public Policy,Kaifcag Yang,Gerald J Miller**, Chapter 37, 722-755.
- Bryndin, E. (2020). Diversified Transformation of University Inside and in Interaction with Industrial and Social Environment, **Education Journal**, 9(4), 95-98.
- Castro Spila, J. (2018). Social Innovation Excubator: Developing Transformational Work-Based Learning in the Relational University, **Higher Education, Skills and Work-Based Learning**, 8(1), 94-107.
- Chan, Y.E. & Farrington, C.J.T. (2018). Community-based research: Engaging universities in technology related knowledge exchanges, **Information and Organization**, No.28, 129–139.
- Creswell, J.W. & Plano Clark, V.L. (2006). **Designing and Conducting Mixed Methods Research**. Thousand Oaks,CA: Sage Publications.
- **Development plan of cooperation between universities and educational, research and technological institutions with society and industry**. (2019). Ministry of Science, Research and Technology, Office of Communication with Society and Industry.
- Di Berardino, D. & Corsi, C. (2018). A quality evaluation approach to disclosing third mission activities and intellectual capital in Italian universities, **Journal of Intellectual Capital**, 19(1), 178-201.
- Dima, A.M. Vasilache, S. GHinea, V. & Agoston, S. (2013). A model of academic social responsibility, **Transylvanian Review of Administrative Sciences**, No.38, 23-43.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.2008000.1400.13.4.3.3]

- Di Nauta, P. Merola, B. Caputo, F. & Evangelista, F. (2018). Reflections on the role of university to face the challenges of knowledge society for the local economic development, **Journal of the Knowledge Economy**, 9(1), 180-198.
- Ellingsen, I.T. Storksen, I. & Stephens, P. (2010). Q methodology in social work research, **International Journal of Social Research Methodology**, 13(5), https://doi.org/10.1080/13645570903368286.
- Fassi, D. Landoni, P. Piredda, F. & Salvadeo, P. (2020). Universities as Drivers of Social Innovation: Theoretical Overview and Lessons from the "campUS" Research, **Springer Nature Switzerland**, https://doi.org/10.1007/978-3-030-31117-9.
- Ghanei-Rad, M.A. (2002). The new method of knowledge production: ideology or reality, **Iranian Sociology**, 4(3), 28-59.
- Givel, M. (2017). Motivation of Chemical Industry Social Responsibility through Responsible Care, **Health Policy**, No.81, 85-92.
- Gomes, W.V. Neto, A.N. Barros, A.D.D. & Jonior, A.M. (2017). Entrepreneurial university: A study on the differences between Brazil and the model done in the United States, **Revista ESPACIOS**, 38(28), 32-41.
- Han, C. & Zhang, L. (2017). The influence of university agglomeration on the high-tech industry development and employment growth. **In Industrial Economics System and Industrial Security Engineering (IEIS'2017), 4th International Conference on IEEE**.
- Hart, A. & Church, A. (2011). Research leadership for the Community-Engaged University: Key Challenges, **International Perspectives on Community-University Partnerships**, 22(2), 45-64.
- Hossein Qolizadeh, R. (2011). The appropriateness of higher education with an emphasis on the social role of the university in a knowledge-oriented society, **Higher Education Letter**, New Journal, 4(13), 121-142.
- **Imam's Book (22-volume Collection of Statements, Messages, Interviews, Edicts, Shariah Permits and letters)** (2006). 4th edition, Tehran: Imam Khomeini's works editing and publishing institution.
- Karamkhani, Z. (2019). **Synergy of university missions towards a society-oriented university**, the third national conference of knowledge and technology, psychology, educational sciences and sociology of Iran, Sam Iranian Science and Technology Development Conference Foundation, Tehran, Iran.
- Karen, H.W. (2017). Using community-based participatory research and organizational diagnosis to characterize relationships between community leaders and academic researcher, **Preventive Medicine Reports**, No.7, 180 –186.
- Khalili, I. Khorsandi-Taskoh, A. Arasteh, H.R. & Ghiathi-Ndushan, S. (2017). Historical critical discourse analysis of academic independence of Iran's higher education system, **Iran's Higher Education**, 9(4), 29-55.
- Khorsandi Taskoh, A. (2014). **A Critical Policy Analysis of Internationalization in Postsecondary Education: An Ontario Case Study**, A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy, The University of Western Ontario, London, Ontario, Canada.
- Khoshgoyan Fard, A.R. (2010). Q methodology, Tehran: Research Institute of Culture, Art and Communication.
- Lambert, M. (2007). **21 century learners- and their approaches to learning. available at ulti Base Article**.
- Lombardi, R. Lardo, A. Cuozzo, B. & Trequattrini, R. (2017). Emerging trends in entrepreneurial universities within Mediterranean regions: An international comparison, **EuroMed Journal of Business**, 12(2), 130-145.
- Lukovics, M. & Zuti, B. (2015). New Functions of Universities in Century XXI Towards "Fourth Generation" Universities, **Journal Transition Studies Review**, 22(2), 33-48.
- Mabel, S. & Benneworth, P. (2019). Is the entrepreneurial university also regionally engaged? Analysing the inflence of university's structural confiuration on third mission performance, **A JournaL Technological Forecasting & Social Changem**, No.141, 206–218.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1400.13.4.3.3]

- Mehdi, R. (2015). The future of higher education: strategies and consequences of university adaptation to the environment and society, **Management and Development Process**, 28(1), 31-54.
- Mohammadi, Kh. Ahmadi, Kh. Fathi-Ashtiani, A. Azadfalah, P. & Ebadi, A. (2014), Development of mental health indicators in Iran, **Health Education and Health Promotion**, 2(1), 37-49.
- Mtawa, N. Fongwa, S. & Wangenge-Ouma, G. (2016). The scholarship of university-community engagement: Interrogating Boyer's model, **International Journal of Educational Development**, No.49, 126–133.
- Niazi, M. & Karkonan- Nasrabadi, M. (2007). **Entrepreneurial University: The Relationship between University, Industry and Society**, first edition, Tehran: Saman-al-Haj Publications, p. 128.
- Rusdiyanto, H. Tjaraka, N.M. Muchsin, Z. Al'asqolaini, A. Junaidi, M. Susilo Aji, Z. & Awliya. R. (2020). Corporate Social Responsibility Practices in Islamic Studies in Indonesian, **Talent Development & Excellence**, 12(1), 3550 – 3565.
- Rykuna, A.Y. Yuzhaninova, K.M. & Vychuzhaninaa, E.V. (2015). Universities and Local Communities: Problems and Perspectives of Interaction, **The XXVI Annual International Academic Conference, Language and Culture, 27–30 October 2015**.
- Safari, S. Safari, I. Sarmadi, M.R. & Faraj-Allahi, M. (2017). A study of strategic planning models of universities (case study: Iran's higher education), **Education Strategies in Medical Sciences**, 10(5), 397-406.
- Salimi, Q. Ghasemi-Pirbaluti, A. & Khorshidi, M.M. (2017). **University, Society and Industry (in search of a sustainable model)**. The first national conference on pathology and de-diagnosing the phenomenon of inter-generational gap (areas, challenges and solutions), Cultural and artistic institution of the South Flight research center, Bushehr, Iran.
- Shah Talabi, B. (2008). E**xamining the Components of leadership based on Values in order to Provide a Suitable Framework in Islamic Azad University**, PhD Thesis, Khorsegan Islamic Azad University, Isfahan.
- Shokerellahi, M. Davoudi, R. & Kamali, N. (2019). The responsibility of the university system towards the society: designing a model to evaluate its current and desired situation, **Socio-Cultural Development Studies**, 8(3), 151-178.
- Statements of Supreme Leader of the Revolution; In a group meeting of professors, elites and university researchers dated 2019/05/29, accessible at: https://farsi.khamenei.ir.
- Stickl, J.E. Kelly, L.W. & Carrie, A, (2019), Making sense of subjectivity: Q-methodology in counseling research, **Counseling Outcome Research and Evaluatio**, 10(2), 106–118.
- Symaco, L. & Tee, M. (2019). Social responsibility and engagement in higher education: Case of the ASEAN, **International Journal of Educational Development**. www.elsevier.com/locate/ijedudev.
- **The Future of Universities in Iran; Community Oriented and Entrepreneur** (2020). Ministry of Science, Research and Technology: Scientific Policy Research Center of the country.
- Yasini, A. Rezai-khah, H. Taban, M. & Zain-Abadi, H. (2016). Identifying the mental patterns of Ilam University employees regarding job promotion using the Q method, **Management of Government Organizations**, 5(1), 107-120.
- Yemeni-Dozi-Sorkhabi, M. & Samari, I. (2010). The image of students from Payam-Noor University and its functions (case study: Payam-Noor University in the center of Tehran), **Iran Higher Education**, 3(3), 1-3.
- Weerawardena, J. Salunke, S. Haigh, N. & Sullivan Mort, G. (2019). Business model innovation in social purpose organizations: Conceptualizing dual social-economic value creation, **Journal of Business Research**, https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2019.10.016.
- World Conference on Higher Education. (1998). **Higher Education in the 21 st Century. Vision and Action Unesco. Paris, 5-9 october 1998**.
- Yolande, E. & Farrington, C. (2018). Community-based research: Engaging universities in technology related knowledge exchanges. **Information and Organization**, 28(9), 129–139.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.2008000.1400.13.4.3.3]

- Zaibet, L. Gibreel, T. Akhzami, Sh. Hedjam, R. & Boughanmi, H. (2019). A research-innovation model to foster university-industry links: an empirical typology, **Asian Journal of Empirical Research**, 9(11), 321-336.
- Zakersalehi, Gh.R. (2017). **Iranian University (an introduction to the sociology of higher education)**, Tehran: New Side.

The Attitude of Academic Experts to the University Interaction with Society

Golbahar Pouranjenar[1]

Habibollah Salarzehi[2]*

Ali Asghar Tabavar[3]

Nour Mohammad Yaghoubi[4]

Abstract

Attention to the university's interaction with society, along with the two main functions of the higher education system, namely; Education and research implies the social role of universities in responding to the needs and expectations of society at different levels. Based on this, the current research aims to identify and categorize the attitude of university experts regarding the upcoming challenges of the university's interaction with society; using a mixed approach and Q method. The statistical population of the research consists of 18 experts and professors from different universities and higher education centers in the country, who were selected as sample members using the purposeful sampling method and based on the principle of theoretical adequacy. The main reason for this choice is expertise, academic experience, and the writings of experts in the field of higher education. In the qualitative part of the research, by using 18 interviews, the space of discourse was obtained, and by using their opinions and views, Q options were obtained, and in continuation, the Q group was obtained. Also, in the quantitative section, the data obtained in the qualitative section were analyzed using SPSS software, and finally, seven main attitudes were identified in this field.

Keywords: University Interaction with Society, Academic Experts, Attitude, Mixed Approach.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1400.13.4.3.3]

[1] Ph.D. student in Public Administration, majoring in Human Resources, Department of Public Administration, Faculty of Management and Economics, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. g.pouranjenar@pgs.usb.ac.ir

[*2] (Corresponding Author). Associate Professor, Department of Public Administration, Faculty of Management and Economics, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. salarzehi@mgmt.usb.ac.ir

[3] Assistant Professor, Department of Financial Management, Faculty of Management and Economics, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. ali.a.t@mgmt.usb.ac.ir

[4] Professor, Department of Public Administration, Faculty of Management and Economics, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. yaghoubi@mgmt.usb.ac.ir